

معارف هرات عریضه چاکرانه صادقانه نوشته افغان حضور
طایون داشته بودند برای اظهار مراتب سبده کی و چاکری
بدون اینکه مقرب الخاقان میرالمالک اذن بدو سرشکه
و نه سکه بفرستد پول هرات را با اسم اقدس طایون
اطلیحضرت پادشاهی سکه زده و جعی از زبان سکه بصرها
فرستاده خود افغان حضور طایون نموده بود

از قمراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند در
ثانی خبر صحیح رسید محمدولی خان قندهاری و خوشحال
و غلام محی الدین پسران کمندل خان با جسمی از
معارف و کربا و هزار سوار و هزار نفر پیاده
و هفت سواره توپ و یک لوله زنبورک بفرستاد
که خاک هرات است آمده و اسبها را تصرف کرده اند

و محمد صدیق خان پسر بزرگ کمندل خان نیز
در تعاقب آنها با جسمی کثیر و توپخانه اراده اسفند
دارد و بر سر اسبها آمده این اوقات قریب الوصو
از قمراریکه نوشته بودند خود کمندل خان نیز
سجاک هرات خواهد آمد و بدین جهت اوضاع هرات
قدری اغتشاش دارد و چون ایلات عشایری که در

حوال و خوش هرات هستند امر اسبها قدری
بی نظم دیده اند بنای ناخت و تازوبی حسابی گذاشته
حتی این اوقات بطوری شده است که چهارصد
پانصد سوار بیک مرتبه برای ناخت و تاز با یلغار
سجاک خراسان می آیند تفصیل ناخت و تازیکه
در عورتان چهار فرسخ خراسان کرده بودند در
روزنامه های هراتی که گشته است تخمین بر یافت

بعد از آن جسم در ثانی خبر صحیح رسید که پانصد نفر
از خراسان عشایر و ایلات ترکمانیه و غیره از
هرات آمده نمیشدند آنرا که متعلق بسجاک خراسان
چاپیده اند و بقدر سیصد چهار صد نفر از زن
و مرد اسیر برده اند و اطفال خود و سال را بجز
ریخته اند و بگذاد ایم الاوقات در خیال انقلاب

واقف شش صفحات خراسان هستند بواسطه
بی نظسی هرات معلوم نیست از اینکوزجا نحصا
و خسارتها دست بردار باشند مگر اینک اولیا
دولت طلبه رفع مفسد آنها را نموده آنوقت
در حدود خراسان پدید آید
کرمانشاهان و غیره

از قمراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته شده
این اوقات بارندگی زیاد در آنجا شده است سجدیکه
از کثرت بارندگی خسارتی بسیار در خانه ها و عمارت
آنجا بهم رسیده است
و هم چنین نوشته بودند که در منزل منسرد و ناخچ روز
سجادی برف آمده است که برای منسرد و دین و چا پان
در آن چند روز غمخوار و مرور ممکن نبوده است

از سایر ممالک محروسه اعلیحضرت پادشاهی درین
هفته خبری نبود که قابل نوشتن در روزنامه اخبار کرات
باشد بجز الله بهر سبب در هر طرف کمال امنیت و آسودگی
حاصل است و کوشش امنای دولت علیه در انتظام امور ایالات
و این جمله شیرین است که هر کس مشغول کار خود و دعا گوئی در نوم
دولت جاوید مدت علی است

اخبار و قول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر کار لندن پای تخت انگلیس رسید
 رابع الاول بود در آن ولایت بنا داشتند که قشور از یاد نماند
 و سببش این بود که بسیاری از قشور انگلیس را بملک ترس میدیدند
 و اگر در فرنگستان جنگ و قشون کشی اتفاق میفتد امنای دولت
 انگلیس صلاح ندانند که دولت خودشان بی تدارک با
 و گمان بود که بیت و پنجه از یاسی هزار نفر قشون بحری و بری علاوه
 نمایند و اهل انگلیس ازین حسد بسیار رضامندی دارند

قرائت

موافق روزنامه این ولایت قدری که در باب دولت
 خوانند که داشت این است که یکی بزرگ دولت باشد طبق
 پرزیدنت و مدت مأموریت او ده سال باشد و لوی تالیان
 تا ده سال بزرگ دولت خوانند باشد و مشورتخانه برپا باشد
 یکی از اعیان و یکی از وکلای رعایا و احتیاج عزل و نصب و در
 در دست پرزیدنت باشد و حکومت و سرکردگی کل قشون با
 باشد و اختیار داشته باشد دست عهد نامه با دولت
 خارجه یا جنگ نماید یا صلح کند و عزل و نصب کل چاکران و یو
 در دست او باشد و موافق روزنامه های این ولایت کل امور
 آنجا با رای راه میرفت و در برقی نظم بود و تاریخ کاغذ آخر
 که از پاریس پای تخت فرانسه رسید نیز بیستم رابع الاول بود

مست

بعد از وفات پادشاه منور که عمومی پادشاه انگلیس بود و پسر او
 که موافق قاعده ارثی و ارث تاج و تخت آن ملک بود سلطنت آنجا
 قرار گرفت و امر دولتی آنجا در حال نظم راه میرفت
 از وینده پای تخت استبره نوشته بودند که دوستی و یگانگی با این دولت

۳۱۶

دولت انگلیس حکام کامل یافته بود و موافق مکتوباتی که با این دولت
 دستین شده بود بحثی که فیما بین داشتند با صلاح و ولایت دوستی
 خواهد گذشت

در یکی از روزنامه های نوشته نوشته اند که امنای دولت اسپانیا
 بوزرای دولت خارجه بعضی از مالک فرنگستان نوشته و خواست
 بودند که اگر اهل این دنیا شمالی دوباره بخواهند جزیره کوبه را
 دولت فرنگستان مانع عمل آنها گردیده جزیره مزبور را محافظت نماید

احوال متفرقه

اهل فرنگستان هر سال از ولایات خود میروند و مالک سیکی دنیا
 ساکن میشود بخصوص از ولایت انگلیس نوشته و در سال گذشته حساب
 اشخاصیکه بشهر نیویارک سیکی دنیا شمالی آمده بودند از اینتر
 یکصد و شصت هزار و دویست و پنجاه و شش نفر از جزیره ایرلند که جزو مالک
 انگلیس است و بیست و شش هزار و پانصد و پنجاه و شش نفر از خود ولایت
 انگلیس و شصت و نه هزار و شصت و شصت و شصت نفر از ولایات
 نوشته با تخارفته اند

در مملکت بلژال که جزو مالک سیکی است راه آهن بجهت تره و کال که بخار
 میزند و چون که راه آهن با صاف و هموار باشد بنا داشتند در روی یکی از
 آن ولایات بیازند که راه مزبور از روی آن میگذرد دیدند که ساختن این
 بل از سنگ اخراجات زیاد دارد و صندسی در آنجا تدبیر دیگر کرده است
 در آن نزدیکی بود که در تقاضای تخمینا یکصد ذرع بود و عرضش بیست و پنج ذرع
 و مانند دیوار بالا رفته مشتمل بر عمده و خمد با آنجا انداخته و سنگ مزبور را
 از کوه کنده و جدا کرده اند و بعد از آن زیرش را سوراخ کرده باره
 و آتش داده اند و سنگ کلا به تره افتاده و سبک شوند در افتادن این
 سنگ زمین اطرافش نزدیک و فرخ بجزکت و لرزه در آمده در زمین
 از آن سنگ پر شده و راه آهن در روی او ساخته و مسکند را

در باب طلا که از معدن مملکت کلی فارس آورده اند و یکی از روزها
 انگلیس نوشته اند که در اول در آوردن طلا از آن مملکت که بسیار
 رومی زمین خیرفت که طلای فراوان از آن ولایت در می آورند مردم
 کمان میگردند که اگر طلای این فراوانی از آنجا بیرون بیاید و ممالک رومی
 تقسیم شود قیمت آن نسبت به نقره و مس و دیگر چیزها بسیار تنزل
 خواهد کرد بلکه مدتی نمی کشد که طلا نصف نصف قیمت حال تنزل میکند
 و این سبب اغتشاش در داد و ستد و معاملات کل ممالک
 رومی زمین هم خواهد رسید موافق حسابی که درین اوقات کرده اند
 طلائی که از کلی فارس آورده اند بیشتر از آن شده است که خیال
 میکردند در مدت یکسال پنجاه و چهار کبر و طلا از آنجا بیرون آورده
 و حساب طلای سال دیگر که موافق تاریخ فزونیها در اول چهل رستان
 امسال تمام می شود هنوز نگذرد اند اما تخمین داشتند که شش ماه است
 که در میدان با وصف این در اکثر ولایات رومی زمین قیمت طلا
 تنزل کرده است بلکه تفاوتی که در فراوان شدن طلا کرده است
 این است که در بعضی ولایات که راجع آنجا نقره بود و طلا کم یاب حال
 طلا فراوان است و چونکه طلای مملکت کلی فارس با کل رومی زمین
 از آنوقت که این طلا فراوان شده است تجارت و داد و ستد بسیار
 زیاد شده است و طلای آنجا بولایاتی فرستاده است که پیش ازین طلا اندک
 و چونکه مابین کلی فارس و مملکت چین راه بحر محیط معتدل گشته بسیار آید و رفت
 میکنند ازین طلا هم زیاد بولایت چین رفته است و درین سال تجار
 بعضی از ممالک فرنگستان مردمی که مشغول صاحبان تجاره بودند بخلایف
 ایام سابق از تسویش اغتشاش طلای خود را جمع و جمع میگردند بطوریکه
 اگر این طلا در عوض آن از مملکت کلی فارس بیرون نیامد درین روز
 داد و ستد فرنگستان چنان کساد می شد که سایر مردم ضرر کلی می
 دیدند و این طلای کلی فارس بجای آن طلائی که صاحبان تجاره میگردند بودند

بصرف داد و ستد سایر مردم رسید است بسیاری از اهل آن
 که جزو جزایر انگلیس است بولایت یکی دنیا رفته اند و بجهت اخراجات خود
 طلا هم همراه برده اند و طلای کلی فارس در عوض آن بکار اهل انگلیس آمده است
 پنج سال سابق این طلای زیاد دارند و نستان بولایت انگلیس فرستاده اند
 حال بجهت فراوان شدن طلا در ولایت انگلیس طلا را از ولایت انگلیس
 رند و نستان پس میفرستند و از هر جای رومی زمین که خبر آمده است معلوم
 می شود که در آوردن طلا از کلی فارس با کل اهل رومی زمین منقعت آورده اند
 خوب شده است و ضرری که تصور کرده بودند هیچ مملکتی ندیده اند و اول کسانی که
 آنجا رفتند و طلا در آوردند از خاک رودخانه بود مخصوص از آنجا که آب
 سیل آمده و زمین را کوزه بود و بعد از آن خشک شده بود طلا در آورده
 حال اصل سنگ این طلا را حبه اند سنگی است سفید و بسیار سخت
 ماند سنگ چاق است اما از آن سخت تر است و رنگش سفید است
 و خطهای سرخ دارد و این سنگ را با بار و طو و اسباب دیگر می کنند
 و بعد از آن با اسباب دیگر که ساخته اند خورد میکنند و طلا را استخراج
 رحمت از او در می آورند در مملکت استرالیانیر که در تصرف دولت
 انگلیس میباشد معادن مانند معادن طلای کلی فارس است ازین طلا
 در میان این قسم سنگ سفید است طلای بسیار صافی است و بعضی مردم
 که با آنجا رفته اند پارچهای طلاستند که بوزن یکن می آید و اکثر اشخاصی که با
 رفته اند روزی پانزده تومان و بیست تومان طلا در آورده اند و چون
 مردم بان سست رفته اند و بجهت دور دست بودن آن ولایت مدتی نمی کشد
 که جمیع زیاد در آنجا جمع شود اما کمان دارند که ازین معادن استرالیانیر
 هم مانند معادن کلی فارس طلای زیاد بیرون می آید
 و بعد پادشاه انگلیس که لقب او پرنس آو ویکزانت در تاریخ روز
 یکشنبه هجرت و سالش تمام بود
 چند وقت پیش ازین نسی از قمار بازی که لانه می بینا مند و رول

۳۱۷

دانه بنا که داشته بودند که طوری بود این لاتاری از برای
 چند پارچه طلا بود یک پارچه چهل هزار تومان قیمت داشت و پارچه دیگر
 بیست هزار تومان و پارچه دیگر ده هزار تومان و دو پارچه دیگر هر یک
 پنج هزار تومان و چهار پارچه دیگر هر یک دو هزار و پانصد تومان و
 پنج پارچه هر یکی هزار تومان و ده پارچه هر یکی پانصد تومان و دو پارچه
 هر یکی صد تومان و قیمت هر یک از آنکه بود که بکند و بیاورد
 ایران باشد و بجهت نجات فروضین بیت با اخراجات و نفعات
 قاری معین گذاشته بودند درین روزها این لاتاری را کشیده
 و نمونه هر یک که باو پارچه افتاده است در روزنامه چاپ زده
 اگر آنجا مردمان فقیر و بی چیز افتاده است و آن پارچه که چهل هزار
 قیمتش بود به شخصی یا عیان افتاده بود که بلیت خریدم بود اما از خاطر
 برفته بود تا در روزنامه دیده بود که موافق نمزه که در آنجا چاپ زده
 پارچه طلای چهل هزار تومانی باو افتاده است

محمدی آوردند درین روزها ما نوشتیم آنکه کالسکه بخار در مملکت
 یزور راه میرفت یک کرگ بودی هر چه بخار حبه سبزه است هر دو را که
 در آنجا ذغال با تشخانه چرخ بخاری انداخت بگرد آن شخص پاروی
 آهنی در دست داشت که ذغال سنگی با تشخانه چرخ بخار میرفت
 پارور با کرگ زده و کرگ بزرگ کالسکه افتاده و هر جای کالسکه از
 رویش گذاشته کرگ دو پارچه کردید

در گزشتای دولت بر دست نوشته اند که دولت مزبور بنا دارند که در
 روزها پول از خلق قرض بکنند و پولی که میخواهند قرض بکنند بیت و یک
 طیان طلا را پول آن ولایت است که تخمیناً بیت کرد و پول ایران میشود
 و حاجا کردن این سخاوار را بموسی و روستا و شریف مراف بود که در لندن
 رجوع می کنند و چون که این پول را منت می دهند دولت پرشیم
 خوب است مکان دارند که هر وقت که لازم باشد در آنک نشین
 کار سازی شود

اعلانات

کتابهای که در دولت علیه ایران انطباع شده هر کس بخرد ار باشد در
 در نزد حاجی عبدالمحمد استاد و اطباء این روزها ما از تبریز فرستادیم
 کتاب شاهنامه پنج تومان
 کتاب قاموس سه تومان
 کتاب مجمع العبرین سه تومان
 کتاب معراج السعاده پارچه هزار دینار
 کتاب زبدة المعارف بیت و پنجاه
 کتاب شفا الزائر یک تومان
 کتاب تاریخ پیکر دو تومان
 کتاب جامع التمثیل پنجاه دینار
 کتاب سوطی پنجاه دینار

از وقتی که دولت انگلیس در هندوستان تسلط شده اند سرک
 جای حاکم نشین آن ممالک است و فرمانفرمای هندوستان در آنجا
 می نشیند حال گفتگویی است که جای حکومت فرمای هندوستان را
 در سمت شمال قرار بدهند اما بحال معلوم نشده است که در کدام یک
 از شهرهای سمت شمالی هندوستان قرار خواهد داد
 دولت روسیه بنا دارند که با بین پای تخت سنت پترزبورگ
 شهر و از راه آهن سبزه ترده کالسکه بخار سازند و درین روزها
 فرستاده اند که محال عبور این راه را معین نمایند و در آنک محله
 سایر عملیات در آنجا مشغول ساختن راه مزبور خواهند کرد
 در فرنگستان که گهای بسیار خوب و درنده بهم میرسد خصوص
 در اوقات زمستان سخت که کله کله می شوند و بروی انسان و حیوانات

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و ششم شهر جمادی الاول مطابق سال تنکابین ۱۲۶۸

قیمت روزنامه
یک شمشیر و یک شمشیر
قیمت اعلانات
یک شمشیر و یک شمشیر
بیشتر به هر روز



نزد پنجاه و نه
هر کس در طهران
ازین روز تا چهارشنبه
جدید در دکان سید کام
بوز فروش فرزند سید

اخبار واحساند ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی که بقصر قاجار تشریف داشته بودند
سه شب در اینجا توقف و تفریح نمودند و در روز پنجشنبه
بمابون بدر ایحلاف طهران بمرسلسلته عظمی میراجت
فرمودند

مخصوص خود شرفیاب حضور هر ظهور خسروالی
کردیدند

بعضی ارضناج کشتا بقادر مملکت ایران نمود
درین روز تا سه رسیده و اسحق بسیار خوب
کرده است و اجناس و اشیائی که پیشتر از

چنانکه در مغمه گذشته نوشته شده بود از انعامات اولیای
دولت علیه امر کارخانه بلور سازی دارالخلافه طهران کمال
نظام و قوام دارد و این اوقات بلور آلات خوب و ممتاز
در کارخانه بلور ساخته میشود از آنجمله این روز تا یک جفت
مردی و یک جفت لاله ساخته و در همین جا قلم زده شد بود
خدمت جناب جلالت آتای صدر اعظم آوردند سجدهی خوش
وصاف و ممتاز ساخته شده بود که یکس از سایر مردکی و
لالهائی که از خارج دولت ایران می آورند نیزند

ممالک بعید می آوردند حال در خود این ولایت بعل
می آید از جمله با تمام عالیجاه میرزا علی اکبر سرتنگ
قورخانه مبارک که قطران خوب و فراوان در حین
کیلان می سازند و بقورخانه مبارک که بجهت مصارف
عزاده توپ می آورند و همچنین آهن از معدن
ماتول که کیلان خوب بمل آورده اند که در زمی و
چکش گیری کمال امتیاز را دارد بقورخانه
دارالخلافه طهران آورده اند و استادان

در روز شنبه بیست و چهارم این ماه اعلیحضرت
پادشاهی در ساعت سه به تالار عمارت جدید
تشریف فرما شدند و بار سلام عام نمودند
و چاکران و دربار سمانیون هر کس در جا و مقام

جبه خانه و قورخانه پسندیده اند و از مسلمان این
لوله تفنگ و میخ ریزه و سایر اسباب آهن آلات
بسیار خوب و ممتاز در حین خانه و قورخانه
ساخته شده است

۳۱۹

۳۱۹

امورات قشونی

این اوقات اولیای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه حکم فرمودند که موجب جیره و عین سه باره فوج جدید مراد ابو الجحیمی عالیجاه ^{سکندر خان} سرنکب و فوج خلیج ساوه داده شود این روزنامه موجب جیره و عین آنها در در ب اطاق نظام و حضور کزوبان عظام داده شد حسب الامر با هزار نفر سوازه شاهسون ^{فشان} و ایلات قره‌قروین نامور شد که برای نظم مدام سرحدیه بخراسان بروند

این روز صاحب الامر ده هزار و پانصد دست فالسقه در قوچا مبارک رود و هزار قبضه تفنگ طح انگلیسی که درجه خانه داران مخالف طهران ساخته می شود بجهت فوج خراسان موجود نمودند و بار بسته شد که بخراسان بزند

طومار سامی آحاد و افراد انواع ممالک محروسه پادشاهی این روزنامه کزوبان عظام نوشته بودند بنظر اعلیحضرت پادشاهی رسانیدند حکم و مقرر نمودند که هر یک از افراد قاهره که بحسب دنا نامی دارند صد دینار تمام نمایند

سایر ولایات

خراسان از فراریکه در روزنامه خراسان نوشته سبب باخت و تاز ترکان واقعاتش مدام سرحدیه صفحات خراسان غمگین بود که امر انجای کلی از نظم و انتظام بیفت لبذا نواب شاهزاده حاکم السلطنه والی مملکت خراسان عالیجاه سرتب انخافان عبا تعلیخان میرنجه را با سه فوج سرباز و دو پنجاه روانه تربت جام نمودند که در آنجا بوده مشغول حفظ و حرارت ثغور و نظم و انضباط امور آن صفحات باشد

از فراریکه در روزنامه سرشیز نوشته بودند در سال گذشته سه نفر اولاد از ضعیفه متولد شده و بعد از چندی بر سر مرده بودند این اوقات باز از جان ضعیف سه نفر اولاد ذکر متولد شد هنوز در قید حیات باقی و زنده هستند

آذربایجان

از فراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته شده بود امر انجای کلی نظم و انضباط را دارد و نواب شاهزاده حتمه الدوله صاحب مملکت آذربایجان سواره اوقات خود را بغوررسی و رفع بی حسابی و حصول نظم مصروف میدارند و از هر کس حرکت خلاف قاعده ناشی و صادر شود بجز دستخوار و بی مقام تحسین و غوررسی برمی آید از آنجا که این اوقات پاشانامی که از جمله اشرا و الواط است شراب خورده و در کوچها بزرگی سبزه است و در سال گذشته هم مصدر قتل شده بود و اولان فراوانها او را در حالتی گرفته مراتب خدمت نواب شاهزاده عرض شد بعد از تحقیق حکم نموده او را در میدان ارگ آذربایجان بسزای عمل خود سزا شد

از فراریکه در روزنامه های آذربایجان می نویسند سرتب انخافان سیر افضل بقدر وزیر نظام با اهل ولایت عمرتا و افراد و آحاد قشون خصوصاً نهایت لوک و قوچا و مهربانی دارند و با ستخان و صواید نواب شاهزاده حتمه الدوله همراه با موبور مردم رسیدگی می نمایند و قرار داده اند که که حدایان هر منطقه دو دست و علما و اعیان ولایت در سایر شهرهای منته نجان سرتب انخافان شازالیه بروند

نواب شاهزاده حتمه الدوله عالیجاه فتحعلی بیگ نایب وجودان باشی در مراده بودند که با نظام انجاسیندی نماید اگر بی نظمی در آنجا واقع شده باشد با رفق نماید از فراریکه نوشته شده بود این اوقات عالیجاه فتحعلی بیگ نظم خوب در آنجا ایجاد داده و از بیچیک خلاف قاعده در می شود

سنگه قیمت اجناس تجاری داران خلاف طران که در بعضی وقتها بجهت	پارچه کلی حاشیه دار یک توپ	پانزده هزار
اسخه تجارتی رابره لایات در روزگار گشت نوشته میشود	چیت کلی	دو تومان و دو
درین هفت از این قرار است	چیت ناف پری	یک توپ
جلواری سفید اعلی بکتوب	پانزده هزار	۵۰۰
جلواری وسط	یک توپ	سیزده هزار و ده
چیت پارچه کلی	یک توپ	پانزده هزار
چیت بدل پارچه کلی	یک توپ	چهارده هزار
فلکاری عریض	یک توپ	پانزده هزار
فلکاری قدیم	یک توپ	چهارده هزار
بدل ششم	یک توپ	چهارده هزار و ده
جورصدری بی طرح	یک توپ	پانزده هزار
چیت طلائی	یک توپ	پانزده هزار و ده
چیت کلی	یک توپ	دو تومان و دو هزار
شیله ماهوتی اعلی	یک توپ	پانزده هزار
شیله وسط	یک توپ	چهارده هزار
چیت برنجی عریض	یک توپ	پانزده هزار
چیت برنجی کم عرض	یک توپ	یک تومان
جلواری حاشیه دار مال قوسی بکتوب	پانزده هزار	۵۰۰
فلکاری خاص اعلی	یک توپ	دو تومان و دو
فلکاری وسط	یک توپ	هجده هزار
فلکاری کم عرض	یک توپ	پانزده هزار
شیله جودانه کلی	یک توپ	دو تومان و یک
شیله جودانه در	یک توپ	یک تومان و شش
صوف الوان جودانه	یک توپ	یک تومان
صوف ساده	یک توپ	پانزده هزار
پارچه کلی حاشیه دار	یک توپ	پانزده هزار
چیت ناف پری وسط	یک توپ	چهارده هزار
شیله ماهوتی ساده	یک توپ	پانزده هزار
شیله ماهوتی وسط	یک توپ	چهارده هزار
چهارقد آقا بانوی کوشک	طاقه	هجده هزار
چهارقد آقا بانوی شطرنجی	طاقه	چهارده هزار و ده
چهارقد کلی و دروغ کم چارک	طاقه	چهار هزار
آقا بانوی بته قرمز	طاقه	هشت هزار
آقا بانوی شطرنجی	طاقه	پنجاه هزار و ده
امیرکان عریض	یک توپ	یک تومان و دو
امیرکان کم عرض	یک توپ	یک تومان و سه هزار
ناسور	یک توپ	یک تومان و سه هزار
تقال ریش دار	یک توپ	سیزده هزار و ده
تقال وسط	یک توپ	یک تومان
شفت داری سفید	یک توپ	دو تومان و شش
سندیده الوان	یک توپ	شازده هزار
تشریف عریض	یک توپ	هشت هزار
تشریف کم عرض	یک توپ	هفت هزار
آقا بانوی ششم	یک توپ	یک تومان
قدک مرغی	یک توپ	چهارده هزار
قرماتیه الوان	یک توپ	سیزده هزار و ده
دستمال کلی چپه	عدد	هفت شاهی
دستمال آبی	عدد	سیصد و نوار

که اینک سید پاشا صدر اعظم دولت علیه عثمانیه از
 صدارت معزول شده و زوق پاشا بجای او بصدارت
 منصوب گردیده است و درین خصوص آنچه در روزنامه خبریه
 اسلامبول نوشته اند این است که مقام جلیل صدارت
 بزوق پاشا محنت گردید و در چهارم ربیع الاول
 هجریون اعلیحضرت سلطان را که درین باب نوشته بود
 با بعلی بائرا و اعیان دولت علیه عثمانیه خوانند
 احوالات متفرقه

در میان صنعت کاران شهر محبته ولایت انگلیس که
 شغل آنها ساختن صرخ پنبه و صرخ بخار و سایر اسباب
 چرخاست با ارباب باج و آقاییان خودشان گفتگوئی شده است
 در باب اینکه صنعت کاران بزور مزد زیاد میخواستند و آقاییان
 آنها نمیدادند و بدین سبب ده هزار نفر در آن شهر بکار نمانده
 صنعت کاران بکمان میکنند که آقاییان آنها آخر لابد می شوند
 که مزد زیادی که میخواهند بدهند بآقاییان آنها نیز بکمان
 میکنند که صنعت کاران عاقبت الامر علاج بهمان داری که
 آقاییان میخواهند بدهند راضی خواهند شد و کار خواهند کرد
 و گذارش بهمان طرز باشد

در آخر پائیز گذشته برف و بارتدکی در اکثر ممالک فرنگستان
 زیاد شده و سرمای پیش افتاده است حتی در ماه محرم
 در ولایت انگلیس و فرانس برف زیاد آمده بود بطرف
 و باد شدید و بسیاری از گشتیها که در دریای آن
 اطراف گشت و تردد میکردند درین طوفان و باد شدید
 گشته است یا بسبب تاریکی هوا یا بسبب امواج زیاد
 غرق گردیده اند

اقا با زوی سنقر	یک توپ	هفت هزار
طوبسک الوان	یک ذرع	هفتده شاهی
اشک و تیغ	یک توپ	دو تومان و ششصد
اشک یکسخت	یک توپ	دو تومان و ششصد
جبه داری	یک ذرع	سه هزار
امر تونس حبری	یک ذرع	چهار هزار
ایچو فرنجی	یک توپ	دو تومان و چهارصد
خارای حامی	یک ذرع	پنج هزار
اطلس رزی	یک ذرع	شازده هزار
برنجک رزی	یک ذرع	هفت هزار و ده شاهی
اطلس کل دار	یک ذرع	پنج هزار
رزی استیفا	یک ذرع	دو تومان و دو صد
چیت اقا با زوی سنقر	یک ذرع	دو هزار
ایضا فرنگی	یک ذرع	دو هزار
کن سدر که اعلی یک توپ	یک توپ	یک توپ
مخل فرنگی	یک ذرع	یک توپ و ششصد
مخل طلی بر قلون	یک ذرع	سه تومان و ششصد
طوب قلاب دوز	یک ذرع	سه هزار و ده شاهی
قنا ویزور همی	یک ذرع	شش هزار
قنا ویزور متعارف	یک ذرع	چهار هزار و ده شاهی
چیت اوژدار عبید	یک ذرع	هزار و سیصد
ایضا الوان	یک ذرع	شش شاهی

اخبار دول خارج

درین هفته در روزنامهائی که اندول خارجیه پناشیرین روزنامه
 رسید خبری که قابل توجه و نوشتن در روزنامه گشت باشد
 رسیده است

بعد از کشیدن آتارنجها در پارسیس پای تخت قران سخته
 پارچهای طلا که تفصیل آن در روزنامه هفت گذشته
 شده بود اشخاصی که این پارچهای طلا یا آنها افتاده بود بعضی
 بعضی آنجا نبرده بودند بفرستند آن پارچه را که چهل هزار تومان
 قیمت کرده بودند به چهل هزار و چهل و شش تومان و دیگران
 شاهی فرجستند اما آن پارچه را که بیست هزار تومان قیمت کرده
 بودند یک تومان از آن قیمت کسر کردند

در نزدیکی استانبول خال سنگی فراوان جسته اند اگر چه
 خوبی نیست که در بخاری خانها مصرف بشود و لکن بجهت شبیه
 بخار بسیار بخار میخورد و چون کشتی بخار در آن دریا آبها
 آمد وقت میکند و سابقا خال سنگی از ولایت اقلیس
 با بخامی آورده و میفرستند گمان میکنند که این بخار که تازه پیدا
 شده است منفعت زیاد کند

در یکی از روزنامههای فرانسه نوشته اند که عمارت پادشاهی
 که در پارسیس پای تخت فرانسه پیدا و طویلترین بناست
 بجهت ششمین لوی ناپلسان تعمیر میگردد در اوقات بیرون کردن
 لوی فلپ پادشاه سابق فرانسه که جنگ اتفاق افتاده بود در
 خرابی عمارت مزبور رسیده بود و خلق با بخار بخت باخت و
 عمارت کرده بودند و بعد از آن بعضی اطافهای او را سربازخانه
 کرده بودند حال تعمیر می کنند

در مملکت فرانسه توجیه زیاد از هر گونه آذوقه که داخل شهر می شود
 میگیرند و چون بعضی سبب گرانی آذوقه در شهرها و آذوقه نسبت
 بخل است بنا دارند که این روزها این توجیهات را موقوف نمایند
 در یکی از روزنامههای لندن حکایت غریبی نوشته اند در خصوص

که بجهت تماشای خلق نگاه داشته اند در نزدیکی شهر لندن باغی
 ساخته اند بجهت نگاه داشتن حیوانات غریبه الا شکل که مردم تماشا
 نمایند از جمله مارهای بسیار در آنجا نگاه داشته اند و چند مار از آن
 مارهای بزرگ که در هندوستان پیدا میشود دارند و چنان
 که خرگوشان افرو میزند و این قسم مارهای بزرگ زهر ندارند
 و خوراکیان این قسم است که خرگوش با آنها میگیرند و بعد از آن
 بدورش می چسبند و کل استخوانش را خورد کرده بآب دمان خود

ترمی کنند و یکبار در زمیسترو مارهایی که در پارسیس و لندن
 نگاه داشته اند اکثر خوراکیان خرگوش است یا کبوتر که زنده
 در میان قفسهای مار می اندازند و هر وقت مار گرسنه میشود
 میخورد و چون که هوای آن ولایات سرد است اغلب اوقات نگاه
 پشمی مانند پشم بروی این مارهای اندازند که سرما آنها را از تن کند
 یکی از این مارها که در لندن نگاه داشته بودند چند وقت مانوس شدند

یکروز دیدند که یکی از این بخافهای پشمی از پشم بیرون می آید
 بیرون بییند از مردمی که در آنجا بودند بخاف را گرفته از پشم بیرون
 کشیدند معلوم شد که یکی از بخافها بود که بروی او انداخته بودند
 پس شش روز بود که این بخاف کلم شده بود مار بخاف را فرود برده
 بوده است و درین مدت که مانوسش بود بسبب تحلیل رفتن بخاف
 بود تا بعد از آن دست بیرون انداخته بود

از شهر کوپن باگن پای تخت مملکت دانمارک علمجات و مچ پشمی بویلا
 درین شهر فرستاده اند و در کوستان آنجا معادن مس بسیار
 پیدا کرده اند و بطوریت که از صدف سنگ شصت من مس خالص
 بیرون آورده اند و چون که سنگ آنجا مانند سنگ کوستان
 او را مال مملکت روس است گمان دارند که طلا و نقره نیز در آنجا
 پیدا نمایند

۳۲۳

در روزنامه جزیره سینه سیلیا نوشته اند که زنی باد و دختر خود را یکی
 هشت سال و دیگری هجده ماهه بوده است با غی رفته بوده است که در
 بچیند و قهی که مشغول چیدن زیتون بوده است ناگاه صدی
 طفل کوچک خود را که در زیر درختی زمین گذاشته بوده است می شنود
 نگاه کرده می بیند که در کی صورت طفل را گرفته است سگی بی طرف
 کرگ می اندازد کرگ بچه را از احتسب بگریزد بعد از آنکه وقتی صد
 فریاد طفل شنید که رومی شنود می بیند کرگ او را گرفته است سگی
 کرگ زده کرگ او را نیز زده کرده و گریخته است اما هر دو طفل جان
 رنجان شده اند که قریب هلاکت بوده اند

کرگ زیاد از هر گشتی که از آنجا میگذرد میگذرد چون که راه دریای بالینیک
 از همین دریای تنگ است مصلح زیاد ازین کرگ عاید می شود اما آنجا
 دول خارجی که دارند که چرا باید در آنجا انقدر کرگ بپند با اینکه
 گشتی آنها از آنجا عبور می کنند و مال تجارتشان داخل آن ملک
 نمی شود و درین خصوص گفتگونی با این دولت پرورشیده دولت
 وینارک شده است که قدری ازین کرگ تخفیف بپند یا با لمره
 موقوف نمایند و دولت جمهوری ترکی وینای شمالی هم شری
 درین باب با تمنای دولت وینارک نوشته اند اما کمان است
 که گرفتن این کرگ موقوف بگذشت با تخفیف

در مملکت فرانسیسی از رعا با جفت کاو میراندوزین را شیار بگرد
 در زیر خاک پنجاه شیشه را از بار و طحسته بود و دیوانیان را خبر داد
 کرده و آمده در آن اطراف جستجو کردند یک لوله آهن مانند لوله دوش
 بخاری بیج یافتند که آنهم پر از بار و طحسته بود و طرف این لوله را
 با کاغذ کهنه گرفته بودند و نمیدانند که کار مفیدین بوده است که جنای
 افساد داشته اند در خانهای اطراف کاوش کردند پارچه های
 کاغذ و کهنه که در آن لوله بود از آن خانها بدست آوردند و چند نفر
 از آن اشخاص را گرفته مجسوس کردند

مواقف کاغذ آخر که از بند وستان آمد و فرمانفرمای بند وستان در
 کوستان و سیلا قات حملایا بود و لکن بنا بود که نسبت گلگت بیاید
 بلکه رستنا را هم در آنجا بماند
 داد و ستد نیل در بند وستان تجارت عمده است و کمان دارند که
 شکار آنجا امسال در نیل ضرر زیاد بکنند زیرا که چنان میدانند که
 امسال نیل کم خواهد بود و برعکس شده حاصل نیل بسیار آمده است
 شکار که نیل کم آن خرابه و انبار کرده بودند ضرر زیاد خواهند کرد
 اعلانات

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته بود که از قرار تحقیق آشنای
 دیوان در بعضی از آن ممالک معلوم کرده اند که پاره مفیدین و
 بدخو آن آن دولت دنیا و منتظر کار مفیدین فرایسته بوده اند
 که اگر کار مفیدین فرایسته پیش برود و آنجا نیز در آن لایب اشوب
 و اعتنا شس پرانامند درین اوقات بسیاری از آنهارا گرفته
 و مجسوس کرده اند
 دولت وینارک در دریای باریک در بروی مملکت خود گشتی
 گذاشته اند بجهت امداد کشتیهای تجارتی که از آنجا ترود می کنند

کتابهایی که در دولت علیه ایران الطباع شده است هر کس خریداریا
 در طهران در نزد حاجی عبدالقادر استاد دارالطباعه این روزنامه
 از این قرار فروخته میشود
 کتاب بنام پنج تومان —
 کتاب فاسوس سه تومان —
 کتاب تاریخ بزرگ دو تومان —
 کتاب سیوطی چهار —
 کتاب تذکره الامه یک تومان —

محمد بن محمد بن داود فرستاده حسن
نیز از نسا کوی که تقریباً صاحب
خان طایفه است
شادمان سگ فرستاده نصر خان
عبدی که خزانة از طایفه
سوی پنج باور که زنده و زنده است

ابو سگ فرستاده ابراهیم خان
بیمبئی که با نرزه هزار خان از طایفه
بیمبئی در تحت اختیار او و
میباشند

سلام عام حاضر شد در روز و شب نیم اعلیحضرت
در عمارت باغ سلام فرمودند و چاکران دولت و مهربان حضرت
شرفیاب حضور مبارک شدند و درین دوروزه بعد از سلام
سرور به پادشاه تشریف فرما شدند

حضرت امیر کبیر شاهنشاهی محض و نور محمد در باره جناب
جلالت آب صدر اعظم یک قطعه نشان مقصود به نشان پیمان
مشکل بجوایر آن گوناگون و الماسین بیضا که بالاترین نشانند
عطیه است در شب عید سلطانی بجناب محظمت امیر محمد و عنایت
فرمودند و همچنین یک توبه جبهه نرزه دو روید اعلی در روزیکه
بعمارت جدید تشریف فرما شده بودید بجناب محظمت امیر محمد

این اوقات اولیای دولت قاهره حسب اشاره العلیه فراب
شاهزاده امامقلی میرزا را که بعل دلباست موصوف و فهم و کفایت
معروف است بجلوت کرانشان مأمور فرموده فرمان مبارک
خلعت مظهر طاعت از جانب اعلیحضرت پادشاهی بنواب میرزا امیر محمد
و عنایت کردید

بن روز اولیای دولت علی حسب الامواله ستمبر انجانان
خسرو خان را بجلوت ولایت قرظین مأمور فرموده فرمان مبارک و خلعت
اقاب طاعت در امیر انجانان شاه امیر محمد و عنایت کردید

عالمیایه مقرب انجانان جعفر طغان میر خجما افواج و قشون که مأمور صحرا
کرگان و استرآباد بودند و در جمعه بیست و هفتم کمر در قتل از تخریب با خوا
و اعیان و بیس سفیدان نبوت از استرآباد وارد و از آنجا رفته شده حسب اطلاع

اوسه نظر خان رئیس سفید بیخان رئیس سفید طایفه با پادشاهان رئیس سفید طایفه
طایفه جعفرانی که صاحب آقا قاسمی که صاحب دودهی که صاحب قلمبر
پنج هزار خان طایفه است و در هزار خان از طایفه خازریه طایفه است

دولت سردار رئیس سفید آدینه بیخان رئیس سفید قرمان خان رئیس سفید طایفه
طایفه دانه صاحب طایفه کویک و اکند نامور و حقوق صاحب هزاره
پاینده خازار صاحب ششصد خازار پاینده خازار

بیک لادو رئیس سفید خدی بیخان رئیس سفید ساین علی رئیس سفید طایفه
طایفه سلطان صاحب طایفه قرآوی و بهنگ صاحب قانقره صاحب دولت
دولت خازار یکصد خازار خازار

ابا رئیس سفید طایفه خدی رئیس سفید طایفه دولت رئیس سفید طایفه
پدراق صاحب امیر صاحب سفید خازار بیرام شالی صاحب
سصد خازار دولت خازار

بعد از آمدن مقرب انجانان جعفر طغان میر خجما و قشون از سرحد استرآباد
و کرگان معدودی از اشرا که بخیال اینکه آن سرحد خالی از قشون
بغیر تاخت و تاز انجام داده بودند سواره فراد استرآبادی و چار آنها
تجداد و محاربه درستی بانها کرده و فایق آمده بودند و چند نرزه سر و چند
نفر اسیر از ترکمانان گرفته بدربار پادشاهان فرستاده بودند و در عید
سلطانی بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی رسید

سایر ولایات

کرمان از فراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود از
اهتمامات اولیای دولت قاهره و امر ایجاد و کمال انظام و تقصبات
و طرق و شوارع از بی حسابی در آن قرین این دلمان است و قوا
و مردم درین بسوخت و آسایش میگویند و بیچاکس آنچه
ضرر و آسایشی نمیرسد

(ک)

سنگ

از امور غریبه که این روزها در کربان حادث شده نوشته
بودند که در آن روز و بزرگی چهل روز دیوانه شده و دستم بجز این
که یکی از آنها اعضایش شبیه اعضای سگ بوده است
دست و پای او که شبیه تاقی بدست و پای سگ است

این اوقات بارندگی زیاد در کربان شده است و بعد
بارندگی زیاد نزدیک بوقت عصر صاعقه در سرای
کاشن فرود آمده است و تندی بکسی آسیبی نرسیده

حتمه

از فراری که در روزنامه حتمه نوشته بودند برف و بارندگی
زیاد در آنجا شده بوده است سجدتی که در کوهها و تختهاست
عبور و مرور مشکل بوده است و از کثرت بارندگی در عمارت
و دکاکین خسرابی بسبب رسیده است از جمله این اوقات
از زیادتی بارندگی خانه شخص حبازی خراب شده است
و سه نفر در زیر خاک مانده بوده اند استایگان جمع شده
آنها را از زیر خاک سپردن آورده بودند و از تفضلات
خداوندی بهیچ کسی نرسیده است

امورات قشونی

درین موقت از امورات قشونی چیزی نبود که در روزنامه نوشته
گردد بلکه قشونی که در بیست و هفتم این ماه بمقرب الخاقان جعفر قلیخان
میر خچه وارد و از آنجا طهران شده اولیای دولت علیه حکم مقرر
فرمودند که در حضور لشکر نویسان عظام مراجع بسیار آنها را
شده مرخص خانه شوند

اخبار دول خارجه

روزنامه های اکثر دول خارجه درین موقت بمبیا شهرین روزنامه ها

بجای آنکه در روزنامه این موقت جان بود که مفصلاً نوشته شده است
اخبار از این موقت است که نوشته میشود
انگلیس مشورتخانه پادشاه انگلیس تا پنج دو اورد
ربیع الاول جمع شده بودند و گفتگو و تحقیق در خصوص معزل
شدن لار و پارستن و وزیر دول خارجه انولایت بود

روس

موافق اخباری که از سنت بطرز بویخ پای تحت آن مملکت رسیده
جناب میرزا محمد حسین صدر دیوانخانی مبارک و والی محض دولت
علیه ایران در کمال اعزاز و احترام وارد سنت بطرز بویخ شده
و در روز نسیتم در ویدیدین جناب وزیر دول خارجه دولت
بهیچ روسیه رفته اند و فرمای آن روز جناب وزیر دول خارجه
ایشان را باز دید کرده اند و در بعد از حضور اعلیحضرت امیر اطوار
شرفیاب گردیده اند و بعد خدمت امیر اطوار و فزایب و بعد از دولت
رسیده اند و در مهانی بال که اعلیحضرت امیر اطوار اعظم تشریف داشته
ایشان را دعوت کرده اند

فرانس

روزنامه اخر که از پارسیس پای تحت فرانسه رسیده چه دم ریح
بود لوی ناپلیان در خصوص اموال لوی فلیت پادشاه سابق فرانسه
اموال اقوام او ازین مقرر حکم کرده است اموال لوی فلیت را حکم کرده
که تا مدت یکسال مهلت باشد که هر چه دارند بفروشند و پولش را بگیرند
و اموال خود لوی فلیت را چون قانون انولایت است که بر سر سلطنت رسیده
هر چه دارد داخل خزانه پادشاهی میشود و این قانون از قدیم است لوی فلیت
برعکس این عمل کرده و اموالش را بمجال خود و اگذار کرده بود از امر
که لوی ناپلیان این عمل را خلاف قاعده فرانسه میدان حکم کرده است
که اموال خود لوی فلیت را بمجال خود و اگذار کرده است

عثمانیه

در روزنامه های اسلامبول که درین مضمون رسیده نوشته اند که بعد از
 مغزول کردن رشید پاشا از وزارت مشاریف منصب به مجلس
 مشورتخانه حاضر سلطان امور گردید و سلطان نسبت با و کمال التفات
 نمودند و بعد از رسیدن دستخط های یون سلطانی که در باب است
 رؤف پاشا نوشته بودند رؤف پاشا بارت پراغان فرستاد و
 سلطان مشرف گردید و بحضور سلطان که بیرون آمد در اطاق مشورتخانه
 نشسته و کل وزیر در آنجا حضور داشتند و وزیر دول خارجه دستخط
 های یون سلطانه را خوانده و بعد از آن کل اهل آن مجلس ناموریت رؤف
 پاشا را تقدیم مبارکبادی نمودند

در سمت دامت نزدیک بطرازان شهرت داشت که ناخوشی
 طاعون بر او کرده است خصوصه نزدیک بیاطوم که در بیت در کنار
 دریا که لشکرگاه بجهت شبها دارد و در سمت شرقی طرازان واقع
 از راه احتیاط امنای دولت عثمانیه در اسلامبول بجهت کشتن
 که از سمت طرازان متصرفین و کنار قرار گیران اسلامبول می آید
 که اخیس گذاشته بودند که مباد این ناخوشی بایند اسلامبول سرایت نماید
 و اطباء آنجا فرستادند که تحقیق نمایند بعد از تحقیق پنجشنبه و وقت
 تمام معلوم شد که این ناخوشی طاعون نیست از قسم تب متفرقه است
 از آنجهت که اخیس را که برای انولایات گذاشته بودند برداشته و آن
 براندند که کشتن موقوف سابق بدون معطلی در آن صفحات تردد میکنند

احوال متفرقه

از شهرهای تبریز و تبریز و بعضی شهرهای دیگر نوشته نوشته اند
 که آنها تدارک میدهند که قشون بجز خود ترتیب پسند این قشون
 بجزی که میخواهند براه بگذارند مان اگر دول کوچک نیست است که
 موافق توه و بزرگی و کوچکی بر یک از دول بود از اجابت میدهند

قشون بجزی در راه می اندازند

از شهر چوشماک میشکی و نیای ششانی نوشته اند که وزیرای آن مملکت
 التي جنگی حاضر میکردند مردم بسیار بفرق افتاده بودند چونکه
 کشتی جنگی و قشون بکدام سمت روانه خواهند کرد بعضی خیال میکردند
 که باقی دیگر نمی فرستند هیئت محکوم بود که از قوه و قورخانه و
 سایر با محتاج قشون بجزی را در کمال تعجل در میان کشتنهای گذاشته
 که روانه نمایند

در روزنامه اضمیر که ایستار سیال مینامند نوشته اند که در باب
 زیارت فرنگیها بیت المقدس که ماهن دولت عثمانیه و بعضی از
 دول فرنگستان گفتگو شده بود دولت عثمانیه قرار گذاشته
 که کل مذمت جمعی حق زیارت در آنجا داشته باشد و بجهت
 بچگونه فرقی و تفاوتی گذاشته نشود

از شهر اسکندریه مصر نوشته اند که عباس پاشا در مصر علیا بود و
 انولایت کمال امنیت داشت در راه آهن حجه تردد کانسکه بخار
 در یکروزه از راه با شروع کرد و یکی در قاهره مصر و یکی در شهر
 اسکندریه و یکی در اطینج
 اعلانات

- کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالرحمن استاد دارالطبایع این روزها
 که در نزدیک دروازه دولابین از این امر آفریده میشود
- کتاب کسکول مشتمل بر دینار ۱۰۰
 - کتاب حدیقه اشبه یک تومان ۱۰۰
 - کتاب بو اسفند و بلور سه هزار دینار ۱۰۰
 - کتاب حشینه چهار هزار دینار ۱۰۰
 - کتاب الف لیلی دو تومان و چهار ۱۰۰
 - کتاب تاریخ مجسم پنجاه هزار دینار ۱۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه و سه شنبه و چهارم شهبادی الاطیالی سیال سچقان میل ۱۲۶۸

نزد هشت دهم
بر سر در استر ا طالب شد
زین روزنامه با دریا
در دکان مر سید بورد
روزنامه میوه



قیمت روزنامه
یک شمشیر تیرانه در قان
قیمت اعلام است
یک طناب چهار سطر کمر زود
بیشتر با هر روز

اخبار و حوادث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه سیم انبیا حضرت امیرسماویون پادشاهی
سجده گشت و تفریح سوار شد و دو کبک سماویون تا عمارت قطار
و آن اطراف تشریف فرما شده انجام اراکت و تفریح نمودند
و از آنجا به دارالخلافه مبارک که طران بقر سلطت عظمی بر
فسر نمودند

و هم چنین چون افواج و سواره مانورین که گران از خدمت انجا
فراغت حاصل کرده حاضر کابینه حضرت افتاب شده بود
و خدمات آنها در نظر امیرسماویون مقبول و مستحسن افتاده بود
اعلی حضرت پادشاهی برای مزید توجه در بان اخبار و روز یکشنبه
شم نرسیدند و برای خارج در واره دولت شده در آنروز
افواج و سواره مزبوره شرفیاب حضور مبارک شدند و مورد
نوازشات طوکانه گردیدند و در باره هر یک کمال توجه و مروت
حسروانی مبذول افتاد و هم در آنروز توجه کامل مشفقان
تا کید زیاد بصاحب سببمان و سرگردگان قشون فرمودند
که در باب شش کمال سعی و اتمام راجل آورند

از قرار یک لسمع اولیای دولت قاهره رسیده بعضی از خبرداران

مردم بهر او هوس نغستانی و خیالات فاسده شیطانیه
در ولایات بعیده چنان شهرت داده اند که این اوقات
تغییر و تبدیلی در جمیع حکام و ولایات ممالک محروسه پادشاهی
واده شده است و از استماع این خبر نقص و احتلالی در
هر یک از حکام واقع گشته است و چون مقصود اصلی از وضع
گزیت این است که احکام دیوان مسماویون کافی الواقع بر
عموم مردم معلوم و مشخص شده در ضد در احکام دیوان
مقاوم همین روزنامه گزیت را معتبر دانند لهذا نوشته میشود که
باید بعد از این مسجیک احکام ولایات ممالک محروسه پادشاهی
سخنان ارجیف مردم را در عزل و نصب و غیره مقرون
بصدق ندانند آنچه در روزنامه گزیت نوشته میشود ما را
معتبر دانند ظاهراست که اگر تغییر و تبدیلی در حکام ولایات
و ازیه شده باشد مباحثین روزنامه در روزنامه گزیت

خواهند نوشت

این اوقات چون ابام عیادت اکثر کسبه بازار دیکه کین خود را
بسته تار و نرسیده مشغول دید و باز بد کرد و شش ابام عیادت
و از انتظامات و استقامات اولیای دولت علیه جمیع الهی

دارالخلافه طهران اگر سببه غیره قرین غایت و سبب مشغول
و عا کونی دستا این اند

این روز نادر و نادر سیرت و دزدی شده بودند
بعرض اولیای دولت قاهره رسید چون سابقا نیز دزدی نموده
و افواج بلده شده بودند و دیار جتارت کرده بشهر آمده و
سیرت شده بودند لکن حکم و مقر فرمودند که محسوس اینها شوند
تا بجلی دست آنها از دزدی کوتاه شود

امورات قشونی

چون مراتب خدمتگاری و انظام امیر مقرب خان عباسقلیخان سرت
افواج قدیم و جدید قزوین در نظر اولیای دولت علیه السلام
مشتمل افتاده بود این روزها حسب الاشارة العلیه فوج
افشار را نیز علاوه بر دوفوج مزبور باو بجمع او فرموده مقرر شد
که در نظم و انظام آنها از سعی و تمام عمل او
بعد از آنکه افواج و سواره مامورین کرکان با اتفاق مقرب خان
سیرت وارد دارالخلافه طهران و حاضر کارب نصرت شدند اولیا
دولت علیه حکم و مقر فرمودند که سان آنها دیده شود لکن در
چشم مقرب خان اجدان باشی و لشکر نو بیان عظام در شتاب
نخارستان بدقت تمام سان افواج و سواره مزبوره را دیده
رسیدگی کامل عمل آوردند

چنانچه در روزنامه مخته گذشته نوشته شد افواج مراغه و خلج
که مامور حراسان بودند فوج جدید مراغه چند روز قبل روانه خراسان
شدند و فوج جنگ ساده نیز روز دوشنبه بمقر بمبت حراسان حرکت
کرده در دولت منزل نمودند و از آنجا در سه شنبه حرکت نمودند
منزل منزل روانه مقصد میشوند
تعبیر اجناس با کواکب طهران

دوتومان و دویست و پنجاه	یکهزار	کنده ساد و پنجاه
دوتومان و سی و شش	یکهزار	کنده دور شهر
دوتومان و دویست و بیست	یکهزار	کنده مرغوب
پنجاه هزاره ده شاهی	یکهزار	کنده و رایین
دویست و سیصد و بیست	چهارمین	برنج غنیمت
دویست و بیست	چهارمین	برنج کرده
دویست و سیصد و بیست	چهارمین	برنج سفید کرده
سیصد و بیست	چهارمین	برنج آکوته
چهارده هزاره ده شاهی	چهارمین	روغن
یکهزار و چهارصد و بیست	یکمین	گوشت
دوتومان و سیصد و بیست	یکهزار	مان
سیصد و بیست	یکهزار	جو
پنجاه هزاره ده شاهی	یکهزاره	کاه
یکهزار و سیصد و بیست	چهارمین	شیره
دوتومان و سیصد و بیست	یکهزار	باش
دوتومان و دویست و بیست	یکهزار	عس
سه تومان و نیم	یکهزار	لوبیا
پنج تومان	یکهزار	کرچک
دوازده هزاره ده شاهی	یکهزار	ارزن
سیصد و بیست	یکهزار	کنک
پانزده هزار	یکهزار	خلر
پانزده هزار	یکهزار	سبلیک
دوتومان و سیصد و بیست	یکهزار	سجود سی
چهار تومان	یکهزار	سجود قوینی
یکهزار و بیست	چهارمین	پیاز

۳۳۱

X

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته شده بود از احتمالات
 اولیای دولت قاهره امر آنجا کمال نظم و انضباط را در
 دور هر یک از قراونخانههای شهر که با تمام رسیده است
 سر بار نشسته و مشغول قراول هستند و اینچ یک خلاف
 قاعده و ضابطه که دلیل بر بی نظمی باشد ناشی و صادر نمی شود
 و همچنین سر بازهای عالیجاه علی بنقی خان سرتیپ فوج
 هر روز در میدان ارگ مشغول مشورتند و عالیجاه مشارالیه
 در تعلیم و مشق آنها کمال سعی و اهتمام را می آورد
 از قراریکه نوشته شده بود این اوقات در اصفهان بارندگی
 زیاد شده است بحدیکه از کوهها سیل بسیار با طر
 و اکناف صحرا جاری شده است و بدین سبب کل کارهای

و امالی آنجا که پیشتر از قیلت بانگی تشویش و اضطراب
 داشت مشغوف و سرور شدند و مشغول کشت و زرع
 اراضی خود هستند

احتمال رد اول خارج

انگلیس در باب گفتگوی صنعت کاران شهر
 منجمله ولایت انگلیس با اربابها و آقایان خودشان که در
 نامه پنجاه و نه نوشته شده است در روزنامه محلی که این
 از اولایت رسیده نوشته اند که صنعت کاران پانچ
 لندن و بعضی از سایر شهرهای انگلیس نیز با صنعت کاران
 و علمجات کارخانهای شهر منجمله مصلحت و مشفق القول شده
 و از کار دست کشیده اند و کاری گنند که اربابها و آقایان
 آنها که صاحبان کارخانها هستند راضی بر زد زیاد می که آنها
 میجوهند بشوند و بمانند تا کار نمایند و باین سبب بعضی

از صاحبان کارخانها در ولایت انگلیس که چرخ بخار و چرخ
 تابیدن چرخه و غیره در کارخانهای آنها ساخته می شود
 میفرود شدند بسیار منصرف شده اند بسبب اینکه مالی و لایات
 خارج که مشتری و خریدار این چرخها و اسبابها بودند بعد از
 دیدند که صنعت کاران ولایت انگلیس کاری گنند فرستند
 و این چرخها و اسبابها را از ولایت فرانسه خریدند و مستور
 این بحث گفتگو ما بین صاحبان کارخانها و صنعت کاران
 و علمجات آنها در میان است تا چونکه ادعای صنعت کاران
 و علمجات در باب مزد زیاد خواستن حجاب است بکار
 دارند که درین روزها ادعای خودشان را موقوف نمایند و
 موافق وارد سابق بکارخانها آمده مشغول صنایع و کایا
 خودشان باشند

در نزدیکی یکی از دولت ولایت انگلیس بندی ساخته بودند
 که از آب چشمه او در وقت فراوانی بارندگیها از آب باران
 پر نمایند که بعد از آن بتدریج در سنگام کم آبی و ضرورت است
 و خانهای آنجا ببردند در چله گوچک منستان گذشته باران
 زیاد با اولایت آمده بند مذکور را پر کرده و از بند بند ریخته بود
 یک شبی دو ساعت بصبح مانده شدت و زیادتی آب
 مذکور را شکست و مانند سیلاب پائین آمده و بداحت آنجا خرابی
 بسیار رسانده بود چون این دولت همه کارخانهای هم
 از قبیل ماهوت سازی و پوش سازی و سایر قماش
 پشمینه دارند منصرف زیاد ازین آب بایل آنجا رسیده است
 و مردم بسیاری هم در سبیل تلف شده اند نفس سخت
 نقره پرون آورده اند اما سبب آنست که بیش ازین آدم تلف شده
 که نور نفس آنها پدید آید

۳۳۲

فرانسه

لویی ناپلیان رئیس دولت فرانسه در باب اموال و املاک
 لویی فلیپ پادشاه سابق فرانسه چهارده فقره حکم کرده است
 اول اینکه از وقتی که لویی فلیپ سلطنت فرانسه رسیده است
 تا حال آنچه املاک که بتصرف او گذشته است ضبط دیوان پادشاه
 و دویم آنچه قروض لویی فلیپ که در ایام سلطنت او بهم رسیده و تا
 بحال داده نشده است از دیوان داده می شود ششم بزرگ
 بزرگ لویی فلیپ و شش و او ریانس می هزار تومان وجه
 معاش داده میشود چهارم املاک مزبور بدیوچه ایتباع شده
 با بلایه خرید و فروش میشود ششم از وجه این املاک بکسان محتاج
 ده لیون که دو کورپول ایران است داده شود ششم ده ملیان
 که دو کور میشود ازین وجه در شهرهای بزرگ فرانسه صرف عمارت
 قرا شود که تعمیر نمایند هفتم ده لیون ازین وجه بزراعت کاران داده
 میشود ششم پنج لیون ازین وجه که یک کورپول ایران است
 بکسان پیر و سن که قوه حرکت ندارند اعانت میشود نهم آنچه
 ازین وجه باقی بماند نشان افتخار بجهت صاحب منصبان نظام
 ساخته شود دهم ستیری که بجهت صاحبان نشانای مزبور داده
 میشود ازین قرار باشد نشان مرتبه اول سیصد تومان نشان
 دویم و دویست تومان نشان مرتبه ششم صد تومان پول
 ایران نشان مرتبه چهارم پنجاه تومان نشان مرتبه پنجم
 پش پنجاه تومان باز دهم به ارباب استحقاق نظام هر یک سالی
 سی تومان پول ایران داده شود و از دهم اسم انعامات
 لویی فلیپ کی مکتب خانمی شود بجهت تربیت اطفال قراستیز و علم
 مشهور بصورتن مال لویی فلیپ بجهت عیال کسانی که در راه خدمت
 دولت فوت شده اند داده می شود که در آنجا ساکن بشوند

چهار دهم اموال امپراطور ناپلیان که ضبط دیوان شده بود و قرار
 شده بود که استرداد شود حال حکم این است که بکسان جنبه با

در احکامی که لویی ناپلیان رئیس دولت فرانسه اعلام کرده است
 و در روزنامه دولتی آن ولایت چاپ زده اند نوشته اند که بعد از
 ضبط کردن اموال لویی فلیپ که حق دیوان میدهد نسبت کرده
 تومان بجهت عیال او باقی میماند و این وجه کفایت میکند که موافق نشان
 و مرتبه خودشان گذران نمایند

بسیاری از مردمان معتبره دولت فرانسه که درین روزها مراضی عمل لویی
 نبودند اخراج بلد شده اند خصوصاً از زنانهای معتبره که در قسطن
 تسلط زیاد داشته و بعضی از آنها بملکت بفرستاده اند و بعضی بملکت
 انگلیس و در هر خصوص در ولایت فرانسه انمای دولت عمل
 سخت میکنند

پلر

دولت پلر خلق را خبر داده اند که پول قرض میخواهند و بعضی که از
 خلق میخواهند یک کور و چهار صد هزار تومان پول ایران است
 قاعده گذاشته اند که هر کس که میخواهد پول بدولت قرض دهد
 پیش از روز تعیین خبر کند و چونکه دولت مزبور خوب معتبر است
 که خلق حاضر کرده بودند که بدولت بدیند بیشتر از آن است که دولت
 مزبور خواسته بودند و موافق روزنامه های فرانسه خلق را کرده
 دولت و مفاد دیگر و چهار صد تومان حاضر کرده

زن پادشاه پلریکی از دخترهای لویی فلیپ بود و چند سال پیش
 ازین وفات کرد موافق قاعده ارثی در ملکت فرانسه یکی از وراثت
 اموال لویی فلیپ بود و میگویند که وقتی که خبر پادشاه پلر آوردند
 که رئیس دولت فرانسه اموال لویی فلیپ را ضبط کرده است

گفته بود که اگر با در اطفال من زنده می شد احتمال میرفت که غنچه
آما من غصه تنخورم خداوند عالم تفضل نماید که ازین بیشتر بقیه عیال

لوی نایب میان رئیس دولت فرانسه گرفتار گردیده لوی نایب میان
نیز او را بدولت آستریه ارسال نموده و در آنجا بدرخش کشیده

من روی نه بد

احوال است متفرقه

اهل جزیره آستریا پادمان دمی آدم خوانند و هر کس پیشان
با انواع اذیت و عقوبت می کشند و کوشش را بطرح کرده میجو زین
نزدیکها اگر گشتیایان نخلیس اتفاقا هفت نفر با آنجا افتاده بودند

در او دو پار و ششانی از آنجا ترتیب داده اند که بی روغن بعضی
بزرگ را روشن می سازد و در پارس پای تخت فرانسه در بالا
قلعه سن راق و ششانی مزبور را گذاشته اند و بطوری ششانی
میدهد که از نیم میدان مسافت در رو ششانی او کا میستوان

خواند و نوشت

اهل آنجا آنها را گرفته و سینه نموده هر روزی یک نفر از آنها را
با انواع اذیت کشته و کوشش پنجه و خودده اند تا یک نفر از
انها باقی مانده بچاره بر ملا که خود یقین کرده و در نهایت ترس

در آن سواحل چین چند وقت پیش ازین یک کشتی اهل منگی دنیا
غارت نموده و اهل کشتی را معدوم الاثر کرده بودند و چهار سوخت

و خوف از زندگی خود ما پوشش بوده است اهل آنجا که در آمده اند
او تحسین کارش را کرده اند گفته است من اجزائی میدانم که بر بدن
شخص میزند شمشیر و حریر و کاری نمی کند آنها او را اطمینان داده

و معلوم کرده اند که کشتی آنها را و زدان آن طرف غارت کرده و اهل
کشتی را تلف نموده اند و این اوقات دو کشتی دولت نخلیس است

و گفته اند که اگر تو چنین کاری بکنی تو را در میان خودمان نگاه میداریم
و از کشتن او که شایسته تر است کرده اند آن شخص بدین خود را کشته
و قدری آب من با کشت بر بدن خود مالیده و گفته است که حالا
نیز میاورید که شمس معلوم نمایم تا آنها رفقه اند کار دیار و زنده بگذرد

بند دستان و یک کشتی از دولت منگی دنیا بجهت تحقیق منطلب
بان طرف روانه کرده اند و میگویند که و در وقت باز در میان دولت
انگلوس دولت چین نزاع درین باب بشود

اعلانات

بچه دقیقه راه را فرار کرده و این لطایف محل از چنگ آنها خلاص
و جان سلامت بر برده است

کتابهای چاپی که در طهران در نزدیکی دروازه دولت در کارخانه
حاجی عبدالمحمد پستاد دارالطباعه این روزها مهور چشمه میشود از آنجا

در احوال و یا عیگری مجاریستان که چند سال پیش از دولت	کتاب حدیقه الشیعه	یک تومان
آستریه یا غنی شده بودند یک سر یکی از دولت آستریه طرفداری	کتاب زینت المجالس	یک تومان
یا عیان مجار را کرده بود و بعد از مغلوب و متفرق شدن یا عیان	کتاب فصول خوارزمی	دو تومان
بفرانسه فرار کرده و امنای دولت آستریه حکم بر کشیدن او را دادند	کتاب قصص الانبیا	چهار دینار
درین اوقات که در فرانسه معین بازار آتشش کرده بودند سر	کتاب یوسف و خفا	چهار هزار دینار
مزبور با معین فرانسه نیز سرهای نموده و داخل این معین است	کتاب حسینه	چهار هزار دینار

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم بهمن ماه جمادی فی مطابق سال سی و چهارم ۱۳۶۴

تشریح نظم
بر کسر و طبلان طالب
ازین روزنامه باشد دریا
جبر و در و کاس استید نظر
خود فرزند فرزند است



قیمت روزنامه
یک شش ماهیانه
قیمت اعلافت
یک سطر تا چند سطر
بیشتر سطر خوبتر

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالحکله و طهران

سرکار اعلیحضرت پادشاهی در روز پنجشنبه سیزده عید برای اینکه تفریحی فرموده باشند تشریف فرمای قه قاجا شد چند روزی در آنجا توقف و تفریح فرمودند و چون اهل طهران این است که هر ساله الهی و سکنه ولایت جمیعاً از انکاش و ذکر و صغار و کبار بجهت تفریح و تماشا در روز سیزده عید نوز و زبیر و در روزها و باغات خارج شهر میروند و لذت روز سیزده این عید را نیز بقاعده هر ساله اکثر مردم برای تفریح بیرون دروازه و باغها رفتند هر چند در بعضی سالها سبب رفتن مردم بیرون دروازه و باغها مفسده و دیگر که فیما بین جمال و آرازیل ناس و واقع میشد درین سال از انتظام امنای دولت علیه در روز سیزده عید شهر و خارج شهر چنان منظم بود که از احدی صد البته نشد و جمیع اهل شهر بار آبی و خورشیدی بیرون رفتند تفریح نموده و شهر مراجعت کردند

امسال بواسطه خشک سالی مرستان و بیابان برف زرد کار این اطراف تلویش زیاد داشتند لکن چون الله از حسن نیت

اعلیحضرت شانشاهی درین اوقات بارانهای موقوع و زیاد آمد که کل مردم از تلویش بیرون آمده و کمال خورشیدی را دارند و تا بحال هوای بلوری خنک و خوب حسرتیم گذشته است که جای شکر است

این اوقات اولیای دولت علیه حب الامرا اعلیحضرت پادشاهی حکومت و جبلایع آذربایجان را بجایگاه مرتب الحاقان کریمخان کریمی محول و عنایت فرمودند و جایگاه پادشاهی نیز این روزها نایب از جانب خود تعیین کرده و فرستاده است که با آنجا رفته و تفریح نظم و انضباط آنجا و سرپرستی رعیت باشد تا اینکه خود جایگاه کریمخان نیز بعد از اتمام کارهای خود از دربار مراجعت و مرخص و روانه ساوجبلاغ شود

این اوقات نواب مستطاب پادشاهی از حشده الدوله حمزه میرزا صاحب اختیار مملکت آذربایجان نظر بحسن سلوک و مردمان را جایگاه بختیاری خان سپهر مرحوم میرزاخان قزاق و او را برای انتظام امور و سرپرستی اهل قزاق و اختیار و برای تحصیل اذن و اجازت شریعی بدربارهایون عرض و با اولیای دولت قاهر اظهار کرده بود و اولیای دولت قاهر هم حسب اشاره اعلیحضرت

صلاح و صواب بدو ابستری الیه را امتنا کرده و بر حسب استیجاب
شاهزاده مستری الیه انتظام امور ایل مزبور را بعالیجاه شاهی
و واکتاف نمودند

در روز شنبه دوازدهم این ماه چادش بیت الله محرام
بازدن و اجازت اولیای دولت قاهره زوار حاج لاجبار کردند
که بر کس از سلسله که زیارت بیت الله محرام عزیمت داشته
در وقت معین روانه زیارت شود و همچنین زوار خراسان
که بنای زیارت مشهد مقدس داشتند عصر روز یکشنبه
نقل مکان کردند که زیارت خراسان

از آنجا که مسواری مقصود اولیای وقت تعیین است که صرف وقت
انتظام دولت و رفاه رعیت هر دو فرمایند لهذا این اوقات حکم
و مقرر فرمودند که بر کس از نوکر و رعیت اشراف و اعیان
معدنی تازه پیدا کرده و در آن کار نماید مراتب را بتوسط عالیجاه حاج
میرزا جبار ناظم الحسام خدمت اولیای دولت علیه عرض کرد
اذن حاصل کند و بعد از آن در پیدا کردن معدن اهتمام نموده معدنی که پیدا
میگردد موافق فراری که دیوانیان عظام داده اند تا پنج سال منافع معین در
کار کرده بردارد و اگر بدون اذن در معدنی کار نماید خلاف حکم اولیای
دولت علیه است و برین حال اذن کار کرده با ضبط دیوان خواهد

امورات قسونی

سوار و قسون نامورگران که با اتفاق عالیجاه بقریه انجانان خیر فلجان
میر خجسته حاجت برکاب نصرت انتساب کرده بودند بسان آنها
دیده شده و حب الاثر اولیای دولت علیه موجب انتساب
شکریسان عظام و چه مقدار جزا عاصره داده گشت و از روز
سواره و انواع مزبور از رکاب سبایون مخصف شدند که
چندی بجانهای خود رفتند آسوده شوند

بعد از آنکه طومار اسامی قسون مالک محروسه پادشاهی
که تفصیل آن در روزنامه های گذشته سمت تجرید است
بنظر انویشایون رسید حکم و مقرر فرمودند که احکام حکام
و میران پنج و سربیمان و سرگردگان صادر شود که تا
دو ماه از عید نوروز گذشته کسر کل انواع مشوقین ولایات را
اگر قده تمام کنند و صورت اسامی آنها را نوشته بدارند
معدلت بداران قاده دارند و رسم چنین حکم فرمودند که کسر سواران
نیز تمام شده و دوازده هزار و پانصد نفر سوار به فحاشات حاضر
رکاب نصرت انتساب بشیران بپسند و بقیه سواران را
خود سرگردگان در ولایاتشان دیده صورت اسامی آنها را

انقاد در بار سبایون دارند

سایر ولایات

عربستان از قراریکه در روزنامه های آنجا نوشته اند
آن صفحات کمال اتمیت و نهایت ارزانی و فراوانی را دارد
احتمالات نواب استیجاب شاهزاده احتشام الدوله خاندان میرزا
صاحب اختیار عربستان و لرستان بختیاری و غیره امور
انجانان عظام و رعایا کمال شرف و شکر گذاری را دارند
و رسم چنین نواب امیرزاده نایب الحکومه عربستان از سوسر
عزیمت در قبول نموده اند و امورات هر محلی را منصفانه تنظیم
امورین و سبایون را مستقل بشغل و عمل خودشان نمودند
سرپرستی و رفاه حال رعایا کمال وقت را بعمل آورده اند که
نوشته بودند که درین اوقات یک شبانه روز باران آمد
و چندان بارندگی شده است که جمیع صحاری و اراضی
انجانان سیراب گردیده ازین بارندگی بموقع ریح قسونسالی
وزراعت کاران آنجا کمال شکر گذاری دارند

۳۳۶

از قرار یک در روزنامه آنجا نوشته بودند که چهار از تجار
 اوشهری بخسیره از نصره مرجهت کرده و عازم بندر اوشهر بوده
 در انشای راه دریا طوفانی شده و بنوعی طوفان شدت نموده است
 که کشتیان با از فرق شدن چهار زای بزبور تسویش نموده و با
 چهار مارا همه بدریا ریخته اند تا مردمانی را که در آنجا نمانده بودند
 سلامت بسا حل رسانده اند

نصیرخان طایفه جوگی لرستان یکی که سالهای سال بخش
 قطاع الطریق در اهلی مشغول در راه اینت فوائل را همیشه شوش
 و محمل داشت نظر بزودی و هرگز و شورش را علیه نواب
 شاهزاده احتشام الله و از قرار مذکور او را دستگیر نموده و در
 اعمالش رسانده اند و راههای آن اطراف از دست اندازی
 و زود و قطاع الطریق محفوظ شده و فوائل بخاطر جسمی از آنجا
 بیرون

از قرار یک در روزنامه قزوین نوشته اند امورات آنجا
 در کمال انتظام و انضباط است و رعایا و برابری است
 و اینت مشغول کار و کسب و عمریتی خود و دعا کوئی دولت
 جاوید مدت علیه میباشد و از مردم اشهر و قطاع الطریق
 با اطمینان و شکر گذاری هستند

از قرار یک نوشته بودند در راه که شسته چهار شبانه روز در
 قزوین لایق قطع و علی الاتصال بارندگی شده و باران فراوان
 آمده است بطوریکه بعضی از خانها را خراب کرده است از جمله
 یکی از آن خانها که در جنب نشان میرنجه علی است از شدت
 باران خراب شده و وقت نفوذ در زیر خرابی مانده بوده اند بجهت
 آنکه بیرون آورده اند و غنم از آنها مخرج و پنج نفر دیگر
 هلاک شده اند

درین اوقات نواب اسکندر میرزا حاکم سابق و حاج احمد
 میرزا مومنی وزیر سابق قزوین حسب الامر اولیای دولت علیه
 از قرار یک نوشته بودند از قزوین بطرف دارالخلافه طهران
 آمده اند

هم در روزنامه قزوین نوشته اند که در یوم ششم شهر
 جمادی الثانی بقدر چهار سنگ استیلا آب رودخانه از پیرون
 شهر داخل قنات حاتم پسکی شده و بخانههای مخروبه سابق
 جاری گشته اهل آن محله جمع گردیده و آب را از آنجا زک کرده اند
 و بجهت تسهیلی رسانده اند

در روز ششم ایام عالیجاه سرز علی بنی از جانب مغرب آنجا
 خسروخان والی حاکم قزوین با آنجا وارد شده از قرار یک نوشته
 در شب در خانه جناب حاج میرزا مفید شیخ الاسلام آنجا
 توقف نموده و بعد از آن بعبادت دیوانی رفته است

چون از اولیای دولت قاهر حکم شده بود که نوکر سواره ایلات
 قزوین را روانه و کاتب سیر و زنی انتساب نمایند حاج احمد
 میرزا علی بنی در حین در روز اول اقدام بانجام امر آنها نموده و
 از قرار یک نوشته بودند شجاعان آنها از خود سرانجام
 نموده و این روز سواره بزبور بدر بار مسایرون رد اند

در همین در باب امر قزوین از انشای دولت
 علیه حکم شده بود که استتمام شود شارب آب بعد از ورود
 بقزوین قزوین را کلاً احصار نموده و از آنها التزام
 گرفته است که در امر خود استتمام نمایند و هرگاه قزوینی
 در اهلی در آنجا واقع شود قزوینهای بزبور از غنم بر اینند
 طرق دشوار این رکذ قزوین است

اخبار دول خارج

زیاد است و نشان او میزند

از اخبار دول خارج درین هفته خبر تازه آمده است
که آنکه در باب هر یک از دول خارج در این روزنامه نوشته
شود و در کل فرنگستان اینست بود و کان جنگ بر سر خوردگی
در هیچ جا نبود و گفتگویی که مابین دول بود تشریح بود که

بگذرانت انگلیس

چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است دولت انگلیس
بنا دارند که قشون خود را قدری زیاد کنند و قشون بری
و بحری و قطعات و صارا که در بعضی جاهای کنار دریا داشته
است حکم نمایند و این عمل نه اندر راه این است که بدو لایحه
مخالفت داشته باشند یا کان جنگ یاد و لایحه باشد بلکه
مخص این است که نسبت به دول خارج که با انگلیس نزدیک اند
خصوصاً دولت فرانسه دولت انگلیس بسیار کم قشون و
تدارک بود و از جمله اینکه تدارکات که سید بدین یکی این بود
که مردمان بعضی از شهرها و قصبه های کنار دریا و طلب
شده و اسم خود را می نوشتند و قشون بجهت دیوان مرتب
و قیاس میکردند از اسم بدون اینکه اخراجاتی از دیوان
بگیرند از دیوان خواسته بودند که در هر شهری موافق
توجه خودشان جوانان هم خودشان از نوشته و مشق میکنند
و این جوانان اکثرشان از مردمان مختبر و دولتمندان و
و قسم نظامی که میخواهند برپا بکنند یا نوازند افواج مخبران می شود
و اسبابشان تفنگ شش خوان است که بطرح تازه ساخته
و میگویند که کلوله او هزار و دوست با هزار و چهار صد
کار میکنند این تفنگها سبک اند و کلوله آنها کوچک و لگن

در بعضی از روزنامه های ولایت انگلیس در باب گذارش
فرانسه این ایام بسیار ضربات لوی ناپلیان فرانس
فرانسه نوشته اند و چون در ولایت انگلیس قانون آزادی است
دولت انگلیس نتوانستند این عمل را بطوری منع نمایند که
روزنامه نویسان نویسند و لکن لایحه جان رستل وزیر اعظم
دولت انگلیس در مشورتخانه گفته است که روزنامه نویسان
این ولایت که ضربات لوی ناپلیان را نوشته اند بسیار
عمل بد کرده اند و کاری که لوی ناپلیان کرده بود خیر و صلاح
دولت فرانسه بود

در بعضی بلوکات ولایت انگلیس بجهت زیادتی باران و سبب
سرمایشت نداشته سبب زیاد آمده است خصوصاً در
اول حمله کوچک مستان در اطراف شهر پلیموث است
آب رودخانه که از اول میمانند از آنجا میگذرد بسیار
زمینهای آباد در زیر آب مانده بود حتی در بعضی محله های نزدیک
برودخانه آب بیشتر از دو ذرع و نیم بالا آمده است و چون که در
اول ولایت خانها را کلاً از آجر و آهک می سازند چندان خرابی
در آن سستها نکرده است و خانه ها خراب نشده اند و مردمان
که در بالا خانهای همان عمارات که اطرافهای تختانی آنها در
میان آب بود ساکن بودند تا یک شبی باد شدت کرده و امواج
کوچک در ملامت بود مردمان که در بالا خانها بودند قشوریش کردند
که سبب از ضرب این امواج خانه ها بقتد و خراب بشوند و در
که در کوچها بودند سوار شده بگردن رفتند و تا چند روز
در کوچهای شهر پلیموث چنان بالا آمده بود که زور قها در زور
آب کار میکردند

فهرست

در دستگامی که اهل فرانسه دولت خود را جمهوری نمود و در سلطنت را در آن وقت
 منسوخ کرده بودند لقب خوانین آن ولایت را که از قدیم بدو شمشیر برده شده
 بودند و چونکه از خوانین نیز بعضی مردمان بسربو و نذ که از آیام سلف
 تا بحال از آن سلسله و او جا قیام بدولت خدمت کرده بودند و از آن جمله
 و مستبرین آن ولایت بودند اکثر مردم از موقوف شدن این القاب از آنها
 ناخوش میخوردند درین اوقات لوی ناپلیان دوباره این القاب را
 بکامکان برقرار کرده است و میگویند که موقوف شدن این القاب در آن
 اوقات بسیار از راه اشتباه بود و باینطور که یکی از وزرای آن آیام این
 حکم را نوشته بود و بوزرای دیگر تکلیف کرده بود که مجری بدارند و لکن آنها
 قبول کرده بودند و گفتگو بهین طوری مانده بود و اشتبا آن کا عذرا
 که این حکم در او نوشته شد بود بجا نماند و دولتی برده و در روزنامه دولتی
 چاپ کرده بودند و باین سبب لقب خوانین فرانسه چند سال متروک
 منسوخ شده بود

دست نوشته چاکستان عقمانیه

در روزنامه اسلامبول نوشته اند در باب پل بزرگ که چند سال پیش ازین
 میان محله قلایه و اسلامبول ساخته اند و پیش بطوری خراب شده است که هنگام
 تردد کشتی از هم باز نشود که مانع عبور کشتی از آن است که گاه بنا شد این روز
 پل نیز بجزئی خرابی میرساند است و بزی که متعلق او محافظت بن جایی است
 تحقیق کرده معلوم نموده است که بسبب آبهای سنگین که بآبهای سنگین از آنجا
 کرده اند خرابی در پل نیز بزرگتر شده است حکم کرده اند که بعد از این پل را
 روی پل نیز بزرگتر کنند

در باب این که میگویند که قطب در دریای مدیترانه و هر چه نوشته اند که از آنجا
 ساختن این راه تا حال نه ماه میشود اگر چه بسبب تیران توارتس اند و در کار
 بکنند و لکن چونکه آن طرف راه که بسیار مشکل بود ساخته شده است چنان میشود
 شد این کار تمام شده است و هر وقت که تمام بشود منفعت زیاد بشود
 و ولایات اطراف خواهد رساند و امید دارند که تا یکسال دیگر راه نیز بتمام تمام
 تا بحال کیلیان ترموش که تخمیناً بیست هزار تومان پول بر آن با ساختن این
 امر صرف شده و او وقتی که تمام بشود اجناس ولایات آن اطراف در شهر
 پر شود و جمع می شود و بکنار دریای میفرستند و بعد از تمام کردن این راه بنا
 دارند که راههای دیگر آن اطراف را نیز مثل همان راه بسازند

چند کشتی بخارا زه در این روزها بجهت دولت عثمانیه ساخته اند یکی موسوم بپل
 و دیگری بگلرکی است کشتی دوم ای را بر روی عمارت سلطان آورده اند که آنجا
 نمایند چونکه با شدت شسته و امواج زیاد بود و علیحضرت سلطان توارتس کشتی
 اگر گذارید با نا شنود و معلوم بود که بسبب کشتی چاک و نیز بزرگ و سریع حرکت بود
 کشتی دیگر هم درین روزها از ولایت انگلیس بجهت دولت عثمانیه ساخته اند
 و چونکه در راه درین فصل زمستان طوفان زیاد شده است معلوم کرد که کشتی
 بسیار خوب بوده است که بجز امواج شدید دوام کرده و عیب نموده است

درین اوقات گفتگوی میانین دولت فرانسه و سلطان عبدالرحمن سلطان
 مملکت ترکش که در نوشتهجات فرانستان مراکوتین بوسند تمام شده
 و قوتنولهای وان که از آن مملکت سپردن آمده بودند بنا دارند که با آنجا
 مراجعت نمایند سلطان عبدالرحمن رئیس دولت جمهوری نامه منی بر آنجا رود
 و یکا نچی نوشته بود

چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است اگر چه دولت انگلیس از آنجا قوتون
 خود را زیاد میکنند و فلجان و حصارا که در سرحدات گنار و دیار است حکم نمایند که
 بسا و اغفلان و دشمنان از خارج بولایت انگلیس حمل بیارند و لکن دوستی بجا
 مابین این انگلیس و فرانسه بر شکل است و ملاحظه کرد که در روزهای اخیر این
 آنجا تعجب مینماید که انگلیس درین حال افتاده اند که درین آیام صلح قلیجات
 خود را محکم و تالیات حرب آنها نماید بخارج خود را زیاد کرد و بزم خود بزنند

۳۳۹

امریکا

وقتی که خبر پیشگی دنیای شمالی رسید که لوی ناپلیان خود را
 در ولایت فرانسه مستقل و بر تسلط کرده است و بعضی از قاصد
 از ادای آن ولایت را که مناسب بحلق نذیده است بسم زده است
 اول پیشگی دنیای شمالی چون خودشان دولت جمهوری پیشا شدند
 از آنمندی بخیده خاطر شدند و از نعل لوی ناپلیان خوشان نیامد و در
 میان خودشان گفتگویی کرده بودند که المچی خودشان را که در
 فرانسه مقیم است بردارند و دیگر المچی با بنجان نشسته تا بعد از گفتگو
 در مشورتخانه خودشان مصلحت درین دیدند که المچی آنها کماکان
 در فرانسه باشد از آنرا که مناسب ندانند که اینقدر داخله

امورات دول خارج بکنند

احوال متفرقه

سابقا برنج در مملکت فرانسه می کاشته و لکن با سیاه
 نزدیک شهر برودو برنج کاشته اند و بسیار خوب
 بعمل آمده است نزدیک بدست خردار تخم نشان زمین
 کاشته اند در جائیکه آب سرد آن بود و خوب حاصل
 داده است تخم برنج را بجا به بعد از عبور روز کاشته اند
 و بجهت قوت زمین کوه از زین مرغابی دریا داده اند راه
 این جنس در فرانسه بیشتر از هزار تومان یا هزار دو سب
 تومان خرج ندارد و براه خواهند گذاخت که برنج در مفرق
 بسوزند این چلیک در روی آب با نذ تا یک وقتی آب او را

انولایت بعمل میاورند

درین روزها کسانی که از شهر جبل التاج با نظریه دریا
 بار یک که از آنجا میگذرد رفتند و در کشتن چون با
 زیاد بود میخواستند سنگها در میان زورق بگذارند که لنگر
 داشته باشد و از ضرب امواج ضربه بخورد و در کنار دریا یک

از خوب کسر و آزاد هستند و معلوم شد که سالهای سال دریا
 مانند بوده است و چلیک را بزورق که داشته به سراه خود آورند
 وقتیکه کشت و نذ دیدند که میانش نوشتجاتی است که بروی پوست
 کوفته نوشته اند که خسیل با نذ و این نوشتجات را کلبیس نامی
 که اول شخصی است که رفته بود و نیکی و نیار امید کرده بود پیاده
 آن ایام اسپانیول که مطالبی خستند و نذ و نذ نوشته باشند
 و نذ و نذ بجزی نذ بود بعضی کسان با درسیگر نذ که نوشته جات
 بقدری سالها با نذ آنهم در کنار آب و در دریا که رطوبت دارد
 مضمون کاغذها این بود که چون کلبیس در دریا راه میرفت و طوفان
 زیاد بود و تشویش طاقت داشتند میخواستند که اگر خود و اهل
 طاعت بشوند و از آنجا اثری پیدا نشود بعد از وفات او پادشاه
 اسپانیول بداند که در آن دریا که تا آنوقت کسی نرفته بود و
 بجا رسیده اند باز بعضی مردم مکان نیسگر نذ که این نوشتجات
 همان باشد که کلبیس نوشته است تا با سنج رجوع کردند
 کلبیس از این طوفان خلاص شده بود و سلامت برگشت و در
 روزنامه او باین منوال نوشته بودند که چون طوفان زیاد بود
 و با و چنان شدت داشت که نتوانستند با دبانها باز
 نمایند کشتیها از یکدیگر متفرق شدند این نوشته کار نوشته
 و در میان چلیک گذاشته و بدریا انداخته بود که اگر کشتیها
 مفرق بشوند این چلیک در روی آب با نذ تا یک وقتی آب او را
 بکنایه بکنند یا کشتی دیگر او را در روی آب پیدا کرده کاغذها
 بجز او پادشاه اسپانیول رسانند و این نوشته را اول در
 میان مینشخ گذاشته در ویشن انوم کشیده بود که از رطوبت
 محفوظ بماند و بعد از آن میان چلیک گذاشته و چلیک را در
 دستخاک کرده و بدریا انداخته بود اهل کشتی تقصیده بودند که

انداختن این چلیک در میان دریاچه بوده است و بعضی
خیال کرده بودند که دوازده نوشته و در میان دریاچه
چونکه بعد از انداختن این چلیک با دگر شده بود و
امواج فروخته بود نوشته که درین اوقات در میان
چلیک حسنه مطابق میاید بار در نامه گلشن که آن است
و معلوم میشود که همان نوشته گلشن است که بعد از
چندین سال حسنه اند

در بعضی از بلوکات ولایت انگلیس رعایای آنجا اعتقاد
غریب دارند در قنبر که آب چشمه در می آورند یا چاه
آب می کنند و نمیدانند که آب در کجاست شاخه از
درخت زازاک که سرش دو شاخه است می برند و آن
شخصی که شش آب پیدا کردن است این دو شاخه را بر یک
بیک دست نگاه میدارد و چون که سردای این دو شاخه
با یک است می لرزد و می گویند که هر کجا که سر چوب پائین
آنجا آب گنده و آب در زیر آن پیدا می کنند اگر چه این نقل
بعضی در نمی آید و لکن رعایای آنجا اعتقاد تمام باین قاعده
دارند و میگویند که تیر این را نمیدانند که حکمت است یا
جادو و لکن مکر امتحان شده است

پایین دولت استریه و دولت ساردیه گفتگویی شده بود
در خصوص فرارها که از ولایت استریه فرار کرده و
بطورین پای تخت ساردیه فرستاده بودند درین روزها
گفتگو با این دولتین تمام شده است و نباشد است
که آن فرارها که بسیار مقرر بودند از ولایت استریه
اجزاج باشند و آنجا که تقصیرشان جزئی است
و هر طور استریه تقصیرشان را عفو فرموده و اذن داده است

که مراد است با کله استریه نمایند
در این ایام در فرنگستان بسیار کشتیها را از چوکن ساخته
و چون که خورش کتری شود روز بروز بیشتری سازند لکن
توشش این کشتیهای چوکن را بیشتر از کشتیهای چوکن میدانند
که اگر سوراخ بشود گرفتن سوراخ آن در روی دریا بسیار
مشکل است کشتی چوکنی است و اگر آب میانش رفت زودتر
غرق میشود و سابقا و ات انگلیس قلعن کرده بودند که کشتی

که بچه حمل نقل کاغذی دولتی و شین چا پار است از
چوکن ساخته اند و لکن کشتیها که از چوکن می سازند یک
حسن دیگر دارد که همه را پارچه پارچه ساخته می شود و در
میان کشتی دیگر که داشت حمل و نقل اشکالی ندارد
و بعد از آن در هر کجا که لازم بشود و بخواهند که برآید
پارچه پارچه را از ختم و چسبای او را قایم می کنند و
می اندازند

در آن است سبکی و نیای شمالی که نزدیک سحر خط استوا
کوخی بسیار بلند است که با این که در آن ولایات کوه سرد است
چنان بر تعلق است که برف همیشه در روی اوست و این کوه
کوه سوزنده است که از آن سنگ که ختم و دود و دود
آتش و غیره بیرون می آید شخصی استیاج انگلیس که درین
ایام در آن سمت بوده است میخواست است تا سرین
کوه برود و در امان این کوه بعضی جایها پیدا کرده بود و معلوم
بود که در قدیم آتش از آنجا بیرون می آمده است
حالا خاموش شده است و بعضی دریاچه های آب شیرین
و آب شور جبهه بود اول کشتی که باین کوه بالا رفت و تا
کوه رسید و شخصی از اهل فرانسه بود و بار اول که میخواهد

بسر کوه برود نتوانستند بود در گذشته اهل آنجا با دستخورد کرده
 و گفته بودند که بسرا این کوه رفتن ممکن نیست و تا بحال هیچکس
 نرفته است این شخص فراتر غیرت آمده و گفته بود که یکس
 بسازد که از پائین نمایان باشد و بیدق را می برم و بسره
 نصب میکنم که معلوم باشد که من بسرا این کوه رفتم ایتم
 بیدق را ساختند و آن شخص برده در سر کوه گذاشت
 و متیکه پائین آمد اهل آن قصبه و مردمان آن اطراف چون
 ازین شخص بسیار خوششان آمده بود موز و کاجی و خسیره
 آورد آورده و اسباب عیش و فرهم آورده بودند و این شخص
 انگلیس که درین روزها خواستند بسرا این کوه بروند
 آن فرانس که سابق فرستاده و بیدق را در سر کوه زده بوده است
 رفته اند و اول راه در زای بسیار سخت و جنگلی از دست کاج
 و خسیره دیده اند بعد از آن با قضاعی رسیده اند که علف
 و کل نباتات تمام شده بود باد شدید می آمده و هوای بسیار
 سرد و سخت بوده است و متیکه برف رسیده بودند و دیدند
 که مانند پنج بسته است بسبب اینکه روز از حرارت آفتاب
 می شود و شب بخی می بندد و در جایی که تخمینا سپید درج
 مانده بود که بسره کوه برسد از شدت سرما نتوانستند پیش
 بروند و یکی از آنها خون را بر سینه اش آمده و از دماغش بر آید
 و صورتش سیاه شود بود بر گشته و میان آبادی سلامت
 رسیدند اما از آنجا که بودند و دانش بسیار معلوم بود و اهل آن
 اطراف می گفتند که بعضی اوقات آتش و سنگ که از آخته
 بکال شده است از آنجا بیرون می آید و آن کوه بجه کشتیها
 که در آن دریا مسفری کنند نشان خوبیست بجه ارتقا عیش و
 اینکه و ایم الاوقات برف در رویش است اینها که باین کوه

بالا رفتند بودند نتوانستند بیا لایش بروند که ارتقا عیش را
 اسبابی که دارند درست مشخص نمایند اما تخمینا چهار هزار و چهار
 در محیط مرتفع است و سبب خون از ذهن آمدن و پهلوس
 اشخاص را در چنین جای نیکه اطبا ایزد هستند اند که خون بجه
 لطافت هوا پر جریان می شود و از بعضی جایهای آن چون

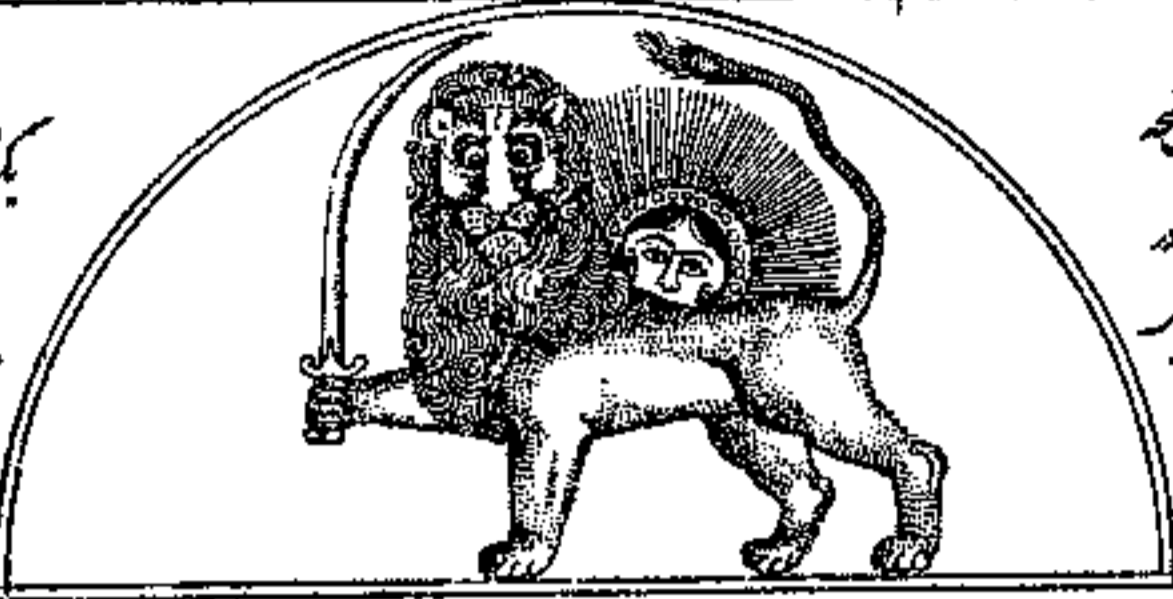
اعلانات

چون از بعضی شهرهای ترکستان و سیکی و نیابک جلد نام این
 از روز اولی نزه پنجاه و دو خواسته او از اینکه در نزد ما بشیرین روزها
 از نزه اول و دویم و سیم کم مانده است لهذا اعلان میشود که هر کس از
 نزه اول و دویم و سیم این روزها مصادا داشته باشد که بجه خود
 لازم نباشد به دیگران شای که روزنامه دار نخواهد را
 تقسیم مینمایند و تمییز را نشود و شای از آنها باریافت دارد
 کتابهای چاپی در طهران در نزد یکی در روز دو لایب در کارخانه حاجی
 استاد کاغذ این روزها می از نظر خوشه شود

کتاب نزه المجالس	یک تومان
کتاب فصول خوارزمی	دو تومان
کتاب قصص الانبیا	چهار دینار
کتاب نسخه المجالس	یک تومان و دو در دینار
کتاب یوز اسف و بلور	سه هزار دینار
کتاب حدیقه حکیم ثانی	یک تومان
کتاب یوسف زلیخا	چهار هزار دینار
کتاب حسینه	چهار هزار دینار
کتاب العیسی	دو تومان و چهار دینار
کتاب تاریخ مجسم	پنج هزار دینار

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خمیس بیست و چهارم ماه جمادی الثانی مطابق ال سیحان میل

نزدیکت و ستم
هر کس در طهران طالب نسخه
لذین روزنامه باشد
مازدر بهر دروگان
بلوروشن و خوش مشو



بخت روزنامه
یک شش ماهه
وقت اعلا نانت
یک سطره چهره
بیشتر بهر
چهار

اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی که بقصر قاجار تشریف فرما شده بود در چند روز آنجا توقف فرمودند و در یکشنبه بیستم را چنانچه درین وقت علیه رسم و متداولت پاسبان دوانی تشریف آوردند و جاگرا در بار مسایون هر یک بلباس مخصوص خود زینت اوضاع پادشاهی تقدیم نمودند و شینلیک بنورک بقوار مقرز شده و خمسی از آن بار آسنکی تمام و پلهای تخت زده بازیست شخصی خود در حضور پاسبان حاضر و آماده شدند بعد از آنکه اوضاع اسب دوانی جمع و تمیاز کردید چاکت سواران هر یک از جاگرا در بار پاسبان که اسبها برای اسب دوانی سوقانی کرده بودند اسبها را بسیار که طهران آورده اند و بنظر آشنای دولت علیه رسیده است در دست و در دوره و ایره میدان اسب دوالی که نیم و نیم است و این شبه بطوری خوب و درست که نسبت به پیشه متعارف ناخند در دوره اول چهار بیدق که علامت چهار دوره ناخندین ولایت مانند ابریشم است در پانزده سال گذشته آنها بر پا کرده بودند و در دوره دوم ستم بیدق و در دوره ستم دولت علیه حکم کرده بودند که از تخم این پاسبان در ناخند دو بیدق و بعد از آن تمام بیدق هر یک ازین سه دوره انعام عطا طهران بسیار و رند و تخمش را آورده اند و در نزد پاسبان تجویس آمدن اسبها مبذول افتاد و بعد از آن جمعی از نشاط از زمانه است و آشنای دولت علیه از آراه که میداد رکاب مسایون بنای دویدن گذاشته یک دوره را در ناخند کاشتن این جنبه منفعت زیاد بجهت دولت و رعیت و از دقیقه طی کردند و در باره هر یک که سبقت کرده بودند انعام از اینک و آنک و اوقات طالب منفعت رعایای این دولت

مرحمت و عنایت شده و اسحق بطور خوب و نظم تمام اسب دوانی بعد آمد و درین روز کل اهل شهر از وضع و تشریف بجهت تفریح و تماشای اسب دوالی پررون آمده بودند و بعد از آن تمام اسب دوالی اعلیحضرت پادشاهی بدار الخلافه طهران بمقر سلطنت عظمی تشریف فرما شده

درین روزنامه مکرر در خصوص بنفشه نیکی دنیا که در اردوی اذربایجان کاشته اند نوشته شده است این بنفشه اردوی بسیار خوب بعد آمده است قدری از بنفشه و از رسیان و از قماش که ازین بنفشه ساخته بودند بدار الخلافه بسیار که طهران آورده اند و بنظر آشنای دولت علیه رسیده است و این شبه بطوری خوب و درست که نسبت به پیشه متعارف ناخند در دوره اول چهار بیدق که علامت چهار دوره ناخندین ولایت مانند ابریشم است در پانزده سال گذشته آنها بر پا کرده بودند و در دوره دوم ستم بیدق و در دوره ستم دولت علیه حکم کرده بودند که از تخم این پاسبان در ناخند دو بیدق و بعد از آن تمام بیدق هر یک ازین سه دوره انعام عطا طهران بسیار و رند و تخمش را آورده اند و در نزد پاسبان تجویس آمدن اسبها مبذول افتاد و بعد از آن جمعی از نشاط از زمانه است و آشنای دولت علیه از آراه که میداد رکاب مسایون بنای دویدن گذاشته یک دوره را در ناخند کاشتن این جنبه منفعت زیاد بجهت دولت و رعیت و از دقیقه طی کردند و در باره هر یک که سبقت کرده بودند انعام از اینک و آنک و اوقات طالب منفعت رعایای این دولت

علیه هستند قراری در کاشتن این نیشبده خواهند گذاشت
 که این زراعت درین ولایت درست برابریست و خاص و عام
 از منافع آن بهره یاب شوند کاشتن و عمل آوردن این نیشبده
 غیر از طور کاشتن نیشبده متعارفی این ولایت و قاعده کاشتن
 آن مفضلاً در نزد مباحثین روزنامه است و چونکه در آن
 جایهای یکی دنیا که این نیشبده را بعمل می آورند در کمرسیرات
 اولایمت مخصوص در جاها نیک نزدیک بدی است که نیشبده
 و کنی بخار آب شور دریا با و بخورد فایده میکند احتمال کلی است که در
 کمرسیرات ایران بسیار خوب بعمل بیاید خاصه نیشبدهائی که نیشبده
 بشوره زار باشد مانند زمین قم و کاشان و در این و جاها
 نزدیک بشوره زار است

است ای دولت علیه عالیجاه محمد تقی خان بهارباشی بنا و علیه بهبه
 گذاشته تخته پل و بازار چارک و دروازه و غیره را بطور خوب
 تعمیر و سفید کاری بنماید

در روز پنجشنبه گذشته دو ساعت بعد از بارندگی
 شده و در آن صبح بعد ساعتی برخواستند از قراریکه در
 روزنامه اخبار شهر نوشته بودند ساعتی بسیار کبر خان مرحوم
 حاجی حسین طهرانی گرفته و از آنجا دیوار و سقف اطراف
 سوراخ کرده و میان طاقچه فرود رفته است و از قراریکه خط
 شده بوده است بقدر کلوک استحال بزرگتر سوراخ کرده میان
 طاقچه همان طاق دیوار را شکافتند و فرود رفتند و در
 در روز سه شنبه نزدیک بوقت غروب طوفان و رعد و برق
 و باران و فی الجمله مگر آمد بحدیکه در بعضی کوهها آب مانند سیل
 جاری شد و در نصف شب هم بارندگی بسیار شد و در
 صبح چهارشنبه نیز باران شدید بار آمد چون فصل بهار است
 این بارندگیهای پی در پی و بموقع بجهت زراعت کاران خوب است

امور قشونی

افواج و سواره که از آنرا با بجان احضار برکاب حضرت انتساب
 شده بودند بجهت ساقلوی و اموریت بولایات از قراریکه
 درین اوقات بقرب انجمنان سیرز افضل المد و وزیر نظام
 نوشته بودند از روز شازدهم جمادی الثانی توپچی و افواج
 و سواره از اینقرار یکزار و پنجاه نفر توپچی و شش فوج که فوج بهادر
 و فوج محسبان و فوج قهرمانیه و فوج شازدهم و فوج مفتح
 افشار و فوج ششم شازده و سواره چهارده ولی بسیعی عالیجاه
 پرور خان و سواره شاطرا نوا و ابوجحی عالیجاه جعفر قلیخان و
 سواره کرمانی و سواره شقایق بدفحات حرکت کرده و در آنجا

چون درین چند سال جمعیت دارالخلافه طهران بیشتر از زمان
 سابق شده است و در شهر هر جا باغ و زمین بود و اغلب
 آنها عمارت ساخته شده است با وصف این هر روز جمعیت
 مردم در تزیید و احتیاج مردم بخانه و عمارت بیشتر می شود
 لهذا اولیای دولت علیه حب احکام علیحضرت شاهنشاهی مآذون
 و مرفق بنمودند که هر کس در بیرون شهر مابین دروازه
 محمدیه و دروازه شاهزاده عبدالعظیم بنموید خانه و عمارت
 بسازد خصوصاً مردمان تلیل البصاعه که در شهر قوه خرید
 خانه و عمارت ندارند مآذون اند که در آنجا خانه و عمارت
 و کسی آنها را مانع نکند و بعد از آن و اجازت اولیای
 دولت قاهره این روزها قریب دولت خانوار خانه و کما
 عمارت طرح کرده مشغول ساختن نیشبده

چونکه در اکثر سالها بجهت تیره و بارندگی جزئی خرابی در عمارت
 و برجهاد دروازه و غیره روی میدید درین اوقات حب احکام